

فهرست

[**همکاران این شماره** 4](#_Toc105945474)

[**شمنا در مسیر چاووش/ شبکه‌هایی که ملی نیستند** 5](#_Toc105945475)

[**لمس تاریخ برای نابینایان در موزه ملی ایران: گزارش صوتی نسل مانا از امکانات موزه ملی ایران برای مراجعان دارای آسیب بینایی** 8](#_Toc105945479)

[**گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران: خرداد ۱۴۰۱** 9](#_Toc105945480)

[**پیشخوان: مروری بر وبسایت‌ها و نشریات انگلیسی‌زبان ویژۀ آسیب‌دیدگان بینایی** 12](#_Toc105945481)

[**دوستی که پنهانش می‌کنیم** 15](#_Toc105945485)

[**چه خبر از کنفرانس سی‌اس‌یو‌ان ۲۰۲۲** 17](#_Toc105945486)

[**درک متقابل، کلید موفقیت نابینایان در موقعیت‌های ناشناخته** 21](#_Toc105945494)

[**نقش انجمن‌های حوزه معلولان در ایجاد تغییرات فرهنگی** 23](#_Toc105945495)

[**سفر رفتن افراد نابینا و کم‌بینا** 25](#_Toc105945496)

[**چگونه از ارتباطات غیرکلامی و زبان بدن استفاده کنیم** 29](#_Toc105945503)

[**بریل و گرافیک لمسی در سی‌اس‌یو‌ان ۲۰۲۲** 32](#_Toc105945514)

[**نان صحنه هنرمندی: گفت‌و‌گوی نسل مانا با محسن محمد‌قلی: صحنه‌گردان نابینا** 35](#_Toc105945518)

[**تازه‌های کتاب صوتی** 37](#_Toc105945519)

[**آشنایی با فعالیت‌های مؤسسه حمایت از بیماران چشمی آرپی** 40](#_Toc105945520)

[**دل‌نوشته‌ای از مانا امیری** 42](#_Toc105945521)

[**از حرف تا عمل با نابینایان** 42](#_Toc105945522)

## 

## **همکاران این شماره**

نویسندگان: طاهره اقبالی، فاطمه جوادیان، شهروز حسینی، امیر سرمدی، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، میرهادی نائینی‌زاده، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی، امین عرب و امید هاشمی

ویراستار: ولی الله یزدانی

ویراستار بریل: روح الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان آذرماسوله، طاهره اقبالی، امیر سرمدی، منصور شادکام، مسعود طاهریان، میر‌هادی نائینی‌زاده و امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

طراحی و پشتیبانی وبسایت: سعید درفشیان

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نابینایان کتاب‌خانه مرکزی یزد

صحاف: ماهرخ تجا

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامیان مالی: بانک مسکن، فناوا کارت، پکتوس

با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نابینایان ایران

## **شمنا در مسیر چاووش/ شبکه‌هایی که ملی نیستند**

**امیر سرمدی: مدیر‌مسؤول**

بیست و ششم اسفندماه سال 1399 بود که سازمان بهزیستی، مجمع انتخاباتی شبکه ملی تشکل‌های مردم‌نهاد افراد دارای معلولیت بینایی (شمنا) را برگزار کرد و اعضای هیئت‌مدیره این شبکه انتخاب شدند. شمنا بعد از چاووش که در سال 1393 تأسیس شد، دومین شبکه ملی نابینایان محسوب می‌شود. در‌واقع پس از کش و قوس‌های فراوان، دفتر حقوقی ریاست جمهوری، اداره ثبت شرکت‌ها و هیئت مربوطه در وزارت اقتصاد و دارائی، موافقت کردند تا سازمان بهزیستی بتواند همانند وزارت کشور مجوز تأسیس شبکه برای گروه‌های مختلف معلولین را صادر کند. سازمان بهزیستی بر اساس بند 13 ماده 26 قانون تنظیم‌بخشی از مقررات مالی دولت، مورخ 27/11/1380 مجلس شورای اسلامی، تأسیس شبکه را مصوب کرد. در حال حاضر، بهزیستی بر مبنای بند ج ماده 1 قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، می‌تواند سایر شبکه‌های معلولین را تأسیس و برای آنها پروانه فعالیت صادر کند. به گفته مدیران شمنا، این شبکه اولین شبکه ملی نابینایان محسوب می‌شود که می‌تواند در سطح ملی فعالیت و در استان‌ها دفتر نمایندگی تأسیس کند. اولین جلسه شمنا در بیست و دوم فروردین‌ماه سال 1400 برگزار و دکتر حمید جعفری به عنوان مدیرعامل شبکه انتخاب شد. جواد رضایی به عنوان رئیس هیئت‌مدیره، علی اکبر جمالی نایب‌رئیس و دکتر بیژن ذوالفقار‌نسب به عنوان خزانه‌دار انتخاب شدند. در ادامۀ این یادداشت، به فعالیت‌های شمنا در یک سال اخیر و نقد و بررسی هر دو شبکه ملی نابینایان می‌پردازیم.

### **شبکه‌هایی بی‌بهره از امکانات اولیه**

به اعتقاد نگارنده، شمنا همان مسیری را طی می‌کند که چاووش در سال‌های اخیر پیموده است. بعد از گذشت پانزده ماه از برگزاری مجمع انتخاباتی، شمنا فاقد یک مرجع اطلاع‌رسانی مستقل و رسمی است. گزارش‌های شمنا به‌جای آنکه در وبسایت رسمی و کانال‌های این شبکه در فضای مجازی منتشر شود، در گروه‌های واتساپی باز‌نشر می‌شود؛ همان روندی که چاووش در سال‌های اخیر در پیش گرفته و علیرغم وعده‌های مکرر مدیرعامل این شبکه، وبسایت رسمی چاووش هنوز راه‌اندازی نشده است. نکتۀ دیگری که این دو شبکه به اصطلاح ملی در فراهم کردن آن درمانده‌اند، یک ساختمان اختصاصی به عنوان دفتر مرکزی است. جلسات چاووش در دفتر انجمن باور برگزار می‌شود و مکان فعلی شمنا در دفتر خانۀ نور ایرانیان بصیر است. در‌واقع دو شبکه ملی که می‌خواهند سردمدار مبارزه با مشکلات معلولان در میان مسئولان باشند، خود از بدیهی‌ترین امکانات اولیه محروم هستند. در سال‌های اخیر مدیران چاووش و شمنا با افتخار اعلام کرده‌اند که حتی یک ریال از طرف هیچ نهادی در اختیار آنها قرار نگرفته است و با دست خالی بار مشکلات را به دوش می‌کشند. بدیهی است که یکی از وظایف اصلی مدیران عامل، رایزنی با نهاد‌های مختلف برای جذب منابع مالی است و ادعای مدیران فعلی، نه مایه مباهات؛ که نقطۀ ضعفی است که مدیران هر دو شبکه باید فکری عاجل به حال آن کنند.

### **شبکه‌هایی که ملی نیستند**

کار تشکیلاتی همان‌طور که از نامش برمی‌آید، به معنای یک کار گروهی است؛ خاصه اگر چاووش و شمنا باشند که نام یک شبکه ملی را یدک می‌کشند. اما کارکرد این دو شبکه در سطح یک سازمان مردم‌نهاد خلاصه شده است. شمنا قریب به دو ماه است که پروانه فعالیت خود را از سازمان بهزیستی کشور دریافت کرده است. از هیئت‌مدیره شمنا انتظار می‌رود هر چه سریع‌تر استاندارد‌های عضویت انجمن‌ها در این شبکه ملی را منتشر کنند تا روند ثبت اعضا بر مبنای آن آغاز شود. طبیعتاً یک شبکه ملی باید انعکاس نظرات تمامی سمن‌های آسیب‌دیدگان بینایی باشد که در حال حاضر اینچنین نیست. عملاً شمنا خود تبدیل به یک سمن شده که تمامی تصمیمات آن را هیئت‌مدیره اتخاذ می‌کند و سایر انجمن‌های کشوری در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت ندارند. الگوی شمنا، چاووش و هر شبکه ملی دیگری باید مانند فدراسیون ملی نابینایان آمریکا باشد. فدراسیون ملی نابینایان آمریکا، قدیمی‌ترین مرکز ویژه نابینایان در آمریکا محسوب می‌شود که ادارۀ آن به‌طور‌کامل در اختیار نابینایان است. دفتر مرکزی این فدراسیون در شهر بالتیمور ایالت مریلند آمریکا واقع شده و تعداد اعضای آن بیش از پنجاه هزار نفر برآورد می‌شود. نگاهی به تاریخچه این فدراسیون نشان می‌دهد که این مرکز در سال ۱۹۴۰ و با ائتلاف شانزده فرد نابینای شناخته‌شده در میان نابینایان آمریکایی ایجاد شد. این شانزده نفر، هدف خود از تشکیل این مرکز را هم‌سو‌کردن خواسته‌های نابینایان و انجمن‌های مربوط به منظور ایجاد اتحاد میان این افراد و گروه‌ها و به تبع آن، دست یافتن به اهداف جمعی جامعه نابینایان در آمریکا عنوان کرده‌اند. نخستین لوگوی فدراسیون ملی نابینایان آمریکا، مثلثی است که سه ضلع آن را کلمات برابری، امنیت و فرصت تشکیل داده‌اند. سیاست‌گذاری جالب‌توجهی که سال‌هاست در این مرکز پیش گرفته شده، پرهیز از اداره آن در قالب یک هیئت مرکزی است؛ به‌ این معنا که هیئت مدیره مرکزی، تنها نقش هماهنگ‌کننده و سیاست‌گذار را ایفا می‌کند و برای آنکه موضوعات به صورت تخصصی پی گرفته شوند، انجمن‌های مستقلی برای هر موضوع خاص، تشکیل شده است. انجمن‌های تخصصی مانند انجمن ملی دانش‌آموزان و دانشجویان نابینا، انجمن ملی والدین افراد نابینا، انجمن ملی نابینایان دارنده سگ راهنما و... را می‌توان به عنوان نمونه‌ای از این انجمن‌ها برشمرد. انتشار نشریات تخصصی مانند «future reflections» و «Braille monitor» انتشار کتاب‌های تخصصی و به طور کلی تولید محتوای مورد‌نیاز جامعه، از دیگر وظایفی است که این فدراسیون برای خود در نظر گرفته است.

هدف از این نوشته، مقایسه فدراسیون ملی نابینایان آمریکا با شبکه‌های ملی داخلی نیست؛ چراکه معتقدم اساساً در کشوری مانند آمریکا، سازمان‌های مردم‌نهاد امکان شکوفایی و بالندگی بیشتر را دارند؛ این در حالی است که در ایران، برای شکوفایی سمن‌های ایرانی سقفی در نظر گرفته شده و عبور از این سقف در بسیاری مواقع برای سمن‌ها مشکل‌آفرین می‌شود. در خصوص دو شبکه ملی نابینایان در کشور اما مسئله بسیار پیش‌پا‌افتاده‌تر از این قبیل تحلیل‌هاست و هیچ کدامشان به معنای واقعی کلمه کار تشکیلاتی در سطح ملی انجام نمی‌دهند. هر دو شبکه یا فاقد کارگروه و کمیته‌های تخصصی هستند یا اگر اسماً کمیته‌ای هم دارند، در سال‌های اخیر خروجی مشخصی از آنها مشاهده نشده است. سؤال مهم آن است که چاووش و شمنا در سال‌ها و ماه‌های اخیر در حل کدام‌یک از مشکلات اساسی جامعۀ نابینایان اثر‌گذار بوده‌اند؟ دستاورد‌های آنها برای نابینایان کشور چه بوده است؟ البته نمی‌توان تلاش‌های مدیرعامل چاووش در به‌سر‌انجام‌رسیدن اصلاحیه قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت را نادیده گرفت؛ هرچند که در اثربخشی همین قانون بر زندگی افراد دارای معلولیت هم حرف و حدیث بسیار است که می‌توان در مجالی دیگر به آن پرداخت.

### **بی‌برنامگی، چالش دیگر شبکه‌های ملی**

واقعیت دیگری که باید به آن توجه شود، نبود یک برنامه مشخص سالانه از طرف چاووش یا شمنا برای جامعۀ نابینایان کشور است. هیچ اولویتی در بیان برنامه‌های آینده از طرف آنها به چشم نمی‌خورد. برای مثال، دکتر جعفری در گزارش عملکرد شمنا در سال 1400 اظهار داشته که به مناسبت بیست و سوم مهر‌ماه، روز جهانی ایمنی عصای سفید در سال گذشته، حداقل 23 شعار را به سازمان بهزیستی برای انتخاب شعار سال اعلام کرده‌اند. تعدد شعار‌های انتخابی در این ارتباط، نه‌تنها یک فضیلت نیست؛ بلکه سردرگمی و عدم شناخت مدیران شبکه نسبت به اولویت‌های نابینایان در طول یک سال را نشان می‌دهد. برای انتخاب شعار سال، بسته به مهمترین دغدغه‌های جامعه هدف در آن سال، معمولاً دو تا سه مبحث اصلی انتخاب شده و از بین آنها یک موضوع به عنوان شعار سال انتخاب می‌شود. دیگر نکتۀ تأمل‌بر‌انگیز در گزارش شمنا، اذعان مدیرعامل این شبکه بر ارسال یک نامه خطاب به حجت الاسلام و المسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای به دنبال برگزاری جلسه حضوری با ریاست محترم قوه قضائیه به مناسبت روز جهانی نابینایان در سال گذشته و درخواست برای خرید نرم‌افزار متن‌خوان فارسی و بارگذاری در سایت ویژه قوه قضائیه است. هدف از این درخواست نیز استفاده رایگان تمامی نابینایان از این نرم‌افزار اعلام شده است. حال جای سؤال است که آیا منظور از نرم‌افزار متن‌خوان همان پارس‌آوای 3 است که در سال‌های اخیر هم توسط مراکز بهزیستی استان‌ها و هم به وسیله اعضای جامعۀ هدف خریداری شده است؟ اگر پاسخ مثبت است چه ضرورتی برای طرح این درخواست وجود دارد و در صورتی که متن‌خوان دیگری غیر از پارس‌آوا در نامه پیشنهاد شده، از مدیرعامل شمنا انتظار شفاف‌سازی می‌رود. ضمن آنکه مرجع مسائل اینچنینی، سازمان بهزیستی است و در ارتباط با قوه قضائیه، مسائل بسیار مهمتری وجود دارد که انتظار می‌رود در اولویت‌های شمنا و چاووش قرار بگیرد.

مسائل بسیاری در ارتباط با هر دو شبکه ملی نابینایان وجود دارد که طرح تمامی آنها از حوصلۀ این یادداشت خارج است؛ اما از مدیرعامل شمنا انتظار می‌رود توضیح دهد از 48 نامه‌ای که از سوی شبکه به دستگاه‌ها، نهاد‌ها و مراکز دولتی و غیردولتی در سال 1400 نوشته و ارسال شده، چند نامه به سر‌منزل مقصود رسیده است. ایشان در سومین کمیته هماهنگی و نظارت بر قانون حمایت از حقوق معلولان و در حضور معاون‌اول رئیس‌جمهوری مدعی طراحی برنامه‌ای شدند که در یک پروسه پنج‌ساله برای تمامی نابینایان کشور شغلی فراهم می‌کند. افکار عمومی جامعه نابینایان انتظار دارد دکتر جعفری جزئیات طرح ادعایی خود را منتشر کند. از مدیرعامل شمنا انتظار می‌رود طرح کاربردی ایجاد یک پژوهشکده مطالعاتی ویژه معلولان را که در سومین جلسه کمیته هماهنگی و نظارت بر قانون حمایت از معلولان مطرح کردند، پیگیری کند و با توجه به موقعیتی که در بنیاد شهید و امور ایثارگران دارند، از امکانات پژوهشکده آن نهاد برای استفادۀ شبکه ملی نابینایان ایران بهره بگیرند. از مدیرعامل شمنا انتظار می‌رود در مواقع بحرانی و در جایی که یکی از اعضای جامعه نابینایان خواسته یا ناخواسته درگیر حواشی می‌شود، حضورشان مانند پدر یک خانواده وحدت‌بخش و مایه دلگرمی باشد؛ نه آنکه شخص ایشان بر آتش اختلافات بدمد و باعث تفرقه در جامعه نابینایان شود. بی‌گمان در‌این‌صورت، فرمانده معزز نیز از ایشان راضی‌تر خواهد بود. از مدیرعامل چاووش نیز انتظار می‌رود جامعۀ هدف را بیشتر در جریان اقدامات نیکشان قرار دهند تا ناخود‌آگاه این تصور پیش نیاید که چون بهزیستی شمنا را متولی قانونی امور نابینایان قلمداد می‌کند، حضور اولین شبکه ملی نابینایان کمرنگ شده است.

مخلص کلام آنکه، امید می‌رود شمنا و چاووش بتوانند در موازات یکدیگر و با بهره‌گیری از نظرات تمامی انجمن‌های مرتبط، باعث هم‌افزایی بیشتر و رفع چالش‌های پیش روی جامعه نابینایان شوند. امیدواریم سال بعد که کارنامۀ آنها در سال جاری را ارزیابی می‌کنیم، شاهد نکات مثبت و دلگرم‌کننده‌تری نسبت به سال گذشته باشیم.

## **لمس تاریخ برای نابینایان در موزه ملی ایران: گزارش صوتی نسل مانا از امکانات موزه ملی ایران برای مراجعان دارای آسیب بینایی**

از شکوه سر‌ستون‌های تخت جمشید و جبروت دروازه ورودی پاسارگاد و زیبایی ریتون‌های دوره هخامنشی و ساسانی هرچه هم که قصه و حکایت شنیده باشی، باز هم تا آن هنگام که از نزدیک ندیده باشی، نباید حجت را تمام‌شده تلقی کنی. فرق است میان توصیفی که از دیگران می‌شنوی و آنچه خودت با لمس درمی‌یابی. قاعدتاً با وجود آسیب بینایی، به دیدن اشیای موزه که نمی‌توان امیدی داشت؛ امکان لمس اشیای موزه هم که طبیعتاً به‌خاطر احتمال آسیب به اشیا، برای هیچ‌کس و به طریق اولی برای نابینایان فراهم نیست؛ پس چاره چیست؟ چاره را گویا دست‌اندرکاران موزه ملی ایران پیدا کرده‌اند.

در روز‌های آغازین خرداد، خبردار شدیم قرار است به مناسبت هفته میراث فرهنگی، موزه ایران باستانِ موزه ملی، امکانی برای بازدید نابینایان از موزه فراهم کند. خبر را که پیگیری کردیم، کاشف به عمل آمد تعدادی از قطعات موزه شامل سی شیء از نُه هزار سال پیش تا دوران اسلامی، با استفاده از تکنیک مولاژ یا چاپ سه‌بُعدی، شبیه‌سازی شده‌اند و توضیحات هر شیء هم به صورت بریل در کنارش قرار گرفته است و نابینایان می‌توانند تا پایان خرداد، با مراجعه به موزه از این اشیا دیدن کنند. فرصت را مغتنم شمردیم و برای آنکه هم خود حظی ببریم و هم مخاطبانمان را در این لذت شریک کنیم، ضبط صوت را برداشتیم و راهی موزه شدیم.

موزه‌گردی بدون راهنمای کار‌بلد که لطفی ندارد؛ از‌این‌نظر اما خوشبختانه فرصتی ویژه در اختیار مراجعان نابینا قرار گرفته بود که گشت‌و‌گذار در موزه ایران باستان را با همراهی یکی از با‌سابقه‌ترین و مجرب‌ترین موزه‌داران ایرانی یعنی خانم «فیروزه سپیدنامه» تجربه کنند. اشیایی که برای بازدید نابینایان درنظر گرفته شده بود، شامل سی شیء از دوران نو‌سنگی تا اسلامی بود که بر روی هفت میز مجزا و به ترتیب زمانی از قدیم به جدید مرتب شده بودند. اغلب این اشیا با استفاده از هنر قالب‌ریزی (مولاژ) شبیه‌سازی شده بودند و در ساخت آنها بیشتری دقت مبذول شده بود تا ظریف‌ترین جزئیات نمونه اصلی در اثر شبیه‌سازی‌شده رعایت شود. حتی در مواردی که ابعاد نمونه اصلی آثار کوچک بود و ممکن بود ساخت مولاژ در ابعاد اصلی باعث شود مراجعان نابینا نتوانند جزئیات را به کمک لامسه درک کنند، نمونه‌ها را در ابعاد بزرگ‌تر ساخته بودند. همچنین دربارۀ آثاری که بر روی آنها نقاشی‌هایی وجود داشت، در نمونه شبیه‌سازی‌شده سعی شده بود این نقش‌ها هم به شکل برجسته نمایش داده شود تا برای نابینایان هم ملموس باشد.

حاصل بازدید نسل مانا از اشیای شبیه‌سازی‌شده موزه ایران باستان، یک گزارش صوتی جامع و کامل است که ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا در اختیار مخاطبان قرار می‌گیرد. لازم می‌دانیم بدین‌وسیله از میزبانی جناب آقای دکتر جبرائیل نوکنده، رئیس محترم موزه ملی ایران، سرکار خانم فیروزه سپیدنامه، رئیس محترم موزه ایران باستان و راهنمای ما در این گردش صوتی و همکارانشان خانم‌ها رضایی و آریان که ما را در ثبت این تجربه ناب یاری کردند، سپاسگزاری کنیم.

## **گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران: خرداد ۱۴۰۱**

این ماه افزون بر گزارش منصور شادکام، قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران، شما می‌توانید خواننده و شنونده گزارش عملکرد دفتر نمایندگی این انجمن در شهر گرگان هم باشید. فایل صوتی این گزارش را ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا بشنوید.

**منصور شادکام: قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران**

ضمن سلام و احترام خدمت مخاطبان محترم ماه‌نامه نسل مانا، از حامیان محترم نسل مانا: بانک مسکن، فناوا‌کارت، شرکت پکتوس و موناکو و تمام نیکوکاران محترمی که در انتشار این ماه‌نامه با ما نهایت همکاری را دارند، تقدیر و تشکر می‌کنم.

همانگونه که مستحضر هستید، بنا داشتیم در تاریخ هشتم خرداد جلسه مجمع سالانه انجمن نابینایان ایران را برگزار کنیم؛ اما با توجه به نرسیدن به حد‌نصاب، این مجمع در بیست‌و‌پنجم خرداد‌ماه برگزار شد. ان‌شاءالله اعضای هیئت‌مدیره جدید، با نگرش، ایده‌ها و طرح‌های جدید بتوانند خدمات ارزنده‌ای به جامعه هدف ارائه کنند، به‌ویژه مقوله فرهنگ و فرهنگ‌سازی را جدی بگیرند و در جهت آگاه‌سازی افراد آسیب‌دیده بینایی در حوزه مسائل پزشکی، روان‌شناختی، فناوری اطلاعات و آموزش و تحقیقات، مهارت‌های زندگی و... بکوشند. با توجه به اینکه تا‌کنون در این حوزه‌ها کار زیادی انجام نشده است، امیدوارم هیئت‌مدیره جدید به این مهم بپردازد و با ارتقای آگاهی جامعه افراد آسیب‌دیده بینایی، از آسیب‌های روانی این گروه کاسته شود.

انجمن نابینایان ایران فهرستی شامل بیست مورد از مسائل معیشتی افراد آسیب‌دیده بینایی را تهیه کرده و در کنار پیگیری‌های آقای دکتر جعفری، رئیس شبکه ملی تشکل‌های نابینایان، طی نامه‌ای تقدیم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کرد که امیدواریم مورد توجه وزیر محترم و مسئولین ذی‌ربط قرار بگیرد. با توجه به اینکه برخی افراد آسیب‌دیده بینایی فاقد شغل هستند و در مقایسه با افراد فاقد آسیب بینایی هزینه‌های درمانی و معیشتی بالاتری دارند، قرار گرفتن آنها در دهک‌های بالا منصفانه نیست و این افراد باید در دهک‌های پایین‌تر جای بگیرند. ما شرایط اقتصادی خاص کشور را درک می‌کنیم؛ اما امیدواریم دولت تصمیم بهتری بگیرد و گوشه‌ای از مشکلات این عزیزان را برطرف کند. ان‌شاءالله با مدیریت صحیح مسئولین دولتی، از مسائل و مشکلات معیشتی و در‌نتیجه استرس و اضطراب افراد آسیب‌دیده بینایی کاسته شود.

از دیگر اقدامات انجمن در این ماه، توزیع ۱۵۰سبد کالا بین اعضای خاص انجمن بود که درآمدی به‌جز مستمری بهزیستی ندارند یا با توجه به هزینه‌های درمانی، در‌آمدشان پاسخگوی نیازهای معیشتی آنان نیست. با‌وجود‌اینکه هیئت‌مدیره انجمن دوست ندارد کرامت انسانی اعضای محترم انجمن با مراجعه جهت دریافت سبد کالا خدشه‌دار شود؛ اما انجمن وظیفه خود می‌داند که تلاش کند مسئلۀ معیشتی افراد آسیب‌دیده بینایی به‌صورت اصولی و زیر‌بنایی حل شود و افراد نیازی به مراجعه و دریافت سبد کالا نداشته باشند و انجمن‌ها به وظیفۀ ذاتی خود بپردازند که همانا پیگیری حقوق شهروندی و احقاق حقوق افراد با آسیب بینایی است.

ما در تلاش هستیم که ان‌شاءالله در هیئت‌مدیره جدید بیشتر به مقوله فرهنگ بپردازیم و طرح‌ها و ایده‌های جدیدی برای سال‌های آینده ارائه کنیم که موجب ارائه خدمات مفیدتر و ارزنده‌تری به جامعه هدف شود. طبق تفاهم‌نامه منعقد‌‌شده میان بیمه خاور‌میانه و انجمن نابینایان ایران، پنجاه‌درصد از هزینه پوشش این بیمه برای افراد آسیب‌دیده بینایی به‌عنوان تخفیف در نظر گرفته شده است. توصیه می‌کنم افراد آسیب‌دیده بینایی فرزند خود را تحت پوشش این بیمه قرار دهند تا مشکلات اقتصادی که خود افراد آسیب‌دیده بینایی در جهت یافتن شغل مناسب داشتند، برای فرزندان عزیزشان تکرار نشود و بیمه اندوخته‌ای برای فرزندان باشد و دریافت مستمری بیمه پس از چند سال بیمه‌پردازی برای آن‌ها کمک‌کننده باشد.

**طاهره اقبالی: مسئول نمایندگی انجمن نابینایان ایران در گرگان**

انجمن نابینایان هم‌اندیش نور گرگان در هفدهم خرداد سال ۱۳۹۰ با هدف انجام فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و رفاهی خاص افراد آسیب‌دیده بینایی، در شهرستان گرگان استان گلستان آغاز به کار کرد و در سال ۱۳۹۲ موفق به اخذ پروانه فعالیت فنی و حرفه‌ای به‌عنوان اولین مرکز فنی و حرفه‌ای مختص افراد با آسیب بینایی شد و کار را با آموزش قالی‌بافی، گلیم‌بافی و تلفن همراه شروع کرد. در این آموزش‌ها از مربیان آسیب‌دیده بینایی استفاده شد و هنرهای دستی توسط خانم عراقی و فناوری اطلاعات توسط خانم اقبالی آموزش داده می‌شد. در سال‌های گذشته کار با گوشی‌های تلفن همراه دارای سیستم عامل سیمبین در این مرکز به افراد آسیب‌دیده بینایی آموزش داده می‌شد و پس از ورود سیستم عامل اندروید، آموزش کار با گوشی‌های اندروید به متقاضیان انجام شد.

در رشتۀ قالی‌بافی موفق شدیم بیست نفر از اعضا را پس از آموزش، تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار دهیم که ضمن استفاده از خدمات بیمه‌ای در مقطع کنونی، بتوانند در آینده از مزایای بازنشستگی استفاده کنند.

در زمینۀ مهارت‌های هفت‌گانه کار با رایانه، تاکنون موفق به آموزش بیست نفر در سطح یک و دو ICDL و ارائه مدرک به ایشان شدیم و آموزش به سایر متقاضیان در حال انجام است. لازم به ذکر است که در دوران همه‌گیری ویروس کرونا، علاوه بر ادامۀ فعالیت‌های آموزشی به‌صورت حضوری، در هفته حداقل ده آموزش مجازی در این حوزه ارائه دادیم.

در سال ۱۳۹۳ با همکاری انجمن نابینایان ایران، موفق به تأسیس کتابخانه دیجیتال کودکان و نوجوانان شدیم. این کتابخانه‌ها افراد بین شش تا شانزده سال را جهت مشارکت در کلاس‌های آموزشی کتاب‌خوانی، کامپیوتر، فعالیت‌های هنری، آموزش‌های درسی و فوق‌برنامه، تحت پوشش قرار داد. در دوران همه‌گیری ویروس کرونا تمام فعالیت‌های آموزشی کتابخانه به‌صورت مجازی پیگیری شد. شایان ذکر است که انجمن نابینایان ایران و انجمن نابینایان هم‌اندیش نور گرگان، همکاری بسیار خوبی برای پرداخت حق‌التدریس معلمان و فراهم ساختن امکانات ایاب و ذهاب اعضا داشته‌اند و تمامی هزینه‌ها توسط انجمن نابینایان ایران تأمین شده است.

در سال‌های اخیر با هدف بهبود روحیۀ افراد آسیب‌دیده بینایی، اردو‌های فرهنگی و تفریحی و سیاحتی و زیارتی داخل و خارج استان را برگزار کرده‌ایم؛ تمامی اعضای کتابخانه به‌همراه خانواده به مشهد مقدس اعزام شدند و سایر اعضای انجمن نیز طی سفری دیگر به سفر زیارتی مشهد مقدس اعزام شدند.

انجمن هم‌اندیش نور گرگان در راستای فعالیت‌های فرهنگی اقدام به برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی و اهدای جوایز به برگزیدگان کرده است. در زمینۀ اقدامات رفاهی، بسته‌های حمایتی در دو نوبت (ابتدای فصل پاییز و ماه رمضان) تقدیم اعضای انجمن می‌شود و به مناسبت عید نوروز و سال نو، عیدی نقدی از طرف انجمن به اعضا هدیه می‌شود.

در زمینۀ خدمات پزشکی و بهداشتی، با متخصصانی در حوزه‌های گوناگون پزشکی از جمله دندان‌پزشکی، ارتوپد، چشم‌پزشکی، زنان و زایمان و... ارتباط برقرار کردیم و موفق شدیم امکان دریافت خدمات به‌صورت نیم‌بها یا در مواردی کاملاً رایگان را برای افراد آسیب‌دیده بینایی فراهم کنیم. لازم به ذکر است که خدمات مشاوره‌ای شامل مشاوره قبل از ازدواج و مشاوره تحصیلی در این انجمن ارائه می‌شود و تا‌کنون دو مرتبه موفق به برگزاری کلاس‌های مهارت‌های زندگی شده‌ایم و همچنین تلاش داریم با ارائه خدمات مشاوره‌ای به اعضا به ایشان کمک کنیم بتوانند با محیط زندگی خود ارتباط خوبی برقرار کنند.

همچنین کلاس‌های زبان انگلیسی، بریل‌آموزی، موسیقی شامل دف، تنبک، گیتار، سه‌تار و فلوت در این انجمن برگزار می‌شود. شایان ذکر است که آموزش مهارت‌های جهت‌یابی و حرکت در جهت بهبود تعامل افراد آسیب‌دیده بینایی با محیط، در انجمن برگزار می‌شود.

در پایان لازم می‌دانم از همکاران و مربیان انجمن هم‌اندیش نور گرگان و مدیرعامل و مدیر اجرایی انجمن نابینایان ایران کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم که ضمن مشورت در زمینه‌های مختلف، ما را جهت ارائه خدمات و انجام فعالیت‌های بهتر یاری می‌کنند.

## **پیشخوان: مروری بر وبسایت‌ها و نشریات انگلیسی‌زبان ویژۀ آسیب‌دیدگان بینایی**

**امید هاشمی: سردبیر**

در این شماره از پیشخوان، ابتدا با اپلیکیشنی آشنا خواهیم شد که مسیریابی درون‌ساختمانی را برای نابینایان تسهیل می‌کند؛ از امکانات اندروید ۱۳ برای نابینایان خواهیم گفت و در ادامه با یکی از برنامه‌نویس‌های کلیدی جاز آشنا خواهیم شد و در پایان هم پای صحبت‌های مدیر یک آژانس گردشگری خواهیم نشست که خود نابینا است و هدفش فراهم کردن امکان سفر گردشی امن و آسان برای افراد دارای معلولیت است.

### **مسیریابی درون‌ساختمانی با وِیمَپ**

یکی از مسرت‌بخش‌ترین خبر‌هایی که در روز‌های پایانی ماه مه بر روی وبسایت‌های خبری ویژۀ نابینایان قرار گرفت، خبر پیاده‌سازی یک اپلیکیشن مسیریاب برای استفاده نابینایان در ایستگاه‌های متروی واشنگتن‌ دی‌سی بود. تفاوت اپلیکیشن [وِیمَپ](https://waymap.org/)[[1]](#footnote-1) با نرم‌افزار‌های مشابه در این است که نیازی به جی‌پی‌اس ندارد و به‌همین‌خاطر هم می‌تواند نابینایان را در محیط‌های مسقف راهنمایی کند. روش کار ویمپ از این قرار است که ابتدا نقشه‌ای دقیق از جزئیات مکان‌های ساختمان مورد‌‌نظر به ویمپ اضافه می‌شود و بعد، کاربر نابینا می‌تواند به کمک حسگر‌های حرکتی گوشی، از این نقشه با دقت بسیار بالا برای مسیریابی استفاده کند.

از‌آنجا‌که این اپلیکیشن بی‌نیاز از جی‌پی‌اس است، راهنمایی‌های ویمپ، حتی بدون وجود سیگنال تلفن هم در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. دقت اپلیکیشن حدود نود سانتیمتر است و راهنمایی‌هایش هم به‌صورت صوتی و در قالب تعداد قدم‌ها و جهت‌های مستقیم، چپ و راست ارائه می‌شود. به‌طور‌مثال چنانچه کاربر بخواهد از باجۀ فروش بلیت به یکی از سکو‌ها برسد، اپلیکیشن می‌تواند در قالب پیغام‌های صوتی به او اعلام کند که دقیقاً چند قدم به پیش برود و بعد به کدام سمت بپیچد و دوباره چند قدم ادامه دهد.

در‌حال‌حاضر ویمپ به شکل آزمایشی در سه ایستگاه مترو در واشنگتن دی‌سی قابل استفاده است و قرار است تا ماه سپتامبر در سی ایستگاه مترو و هزار ایستگاه اتوبوس پیاده‌سازی شود و در سال ۲۰۲۳ هم تمامی ایستگاه‌های مترو به این امکان مجهز خواهند شد. این اپلیکیشن در‌ حال حاضر رایگان است و قرار است تا همیشه رایگان بماند. طراحان ویمپ مدعی شده‌اند می‌توانند با همین فرمول هر ساختمان دیگری را برای استفاده نابینایان مناسب‌سازی کنند. در نسخه صوتی پیشخوان می‌توانید به صدایی که نحوۀ کار این اپلیکیشن را نشان می‌دهد گوش کنید و با جزئیات بیشتری دربارۀ ویمپ آشنا شوید.

### **تازه‌های اندروید ۱۳ در حوزۀ دسترس‌پذیری**

کنفرانس سالانۀ گوگل[[2]](#footnote-2)، در نیمۀ ماه مه میلادی برگزار شد و طبق معمول، علاقمندان اندروید با شگفتانه‌های جالبی مواجه شدند. یکی از بخش‌هایی که هر‌ساله در این کنفرانس مورد توجه نابینایان قرار می‌گیرد، به پیشرفت‌هایی مربوط می‌شود که در این شرکت، خاصِ افراد دارای معلولیت تدارک دیده شده است. امسال هم از دو سه امکان تازه ویژۀ نابینایان و سایر گروه‌های معلولان رونمایی شد که در اینجا به اختصار اشاره‌ای به آنها می‌کنیم.

امکانات تازه‌ای که در این نوشته درباره‌شان می‌خوانید، قرار است چند ماه دیگر در قالب اندروید ۱۳ در اختیار کاربران قرار بگیرد. مهمترین این امکانات به پشتیبانی تاکبک از نمایشگر‌های بریل باز می‌گردد. اگر اهل استفاده از نمایشگر‌های بریل باشید، حتماً می‌دانید که یکی از مشکلات نابینایان در استفاده از این نمایشگر‌ها این بود که تاکبک، به‌خودی‌خود از چنین ابزار‌هایی پشتیبانی نمی‌کرد و کاربران باید برای اتصال نمایشگر به گوشی، از اپلیکیشن جانبی بریل‌بَک[[3]](#footnote-3) استفاده می‌کردند. حالا اما تاکبک هم مثل سایر صفحه‌خوان‌های مشابه در سیستم‌عامل‌های ویندوز و مَک، از انواع نمایشگر بریل پشتیبانی می‌کند و دیگر نیازی به نصب نرم‌افزار جانبی نیست. علاوه‌بر‌این قابلیت، تعداد فرمان‌های پشتیبانی‌شده در دستگاه‌های نمایشگر بریل هم افزایش یافته و حالا کاربران می‌توانند به سادگی و بدون نیاز به گوش دادن به تاکبک، فقط به کمک نمایشگر بریل، بیشتر امور روزمره‌شان را انجام دهند.

اپلیکیشن «لوک‌اَوت[[4]](#footnote-4)» هم از دیگر اپلیکیشن‌های گوگل است که در اندروید ۱۳ دستخوش تغییر خواهد شد. این اپلیکیشن که با هدف تشخیص تصاویر برای نابینایان طراحی شده و به رایگان در اختیار کاربران اندروید قرار گرفته، حالا با دقت بیشتری می‌تواند جزئیات عکس‌های منتشر‌شده در شبکه‌های اجتماعی را شناسایی کند. حالا وقتی یک عکس را با لوک‌اوت به اشتراک می‌گذارید، این اپلیکیشن می‌تواند از طریق الگوریتم‌های یادگیری ماشین و شناسایی تصاویر، در درجه اول کلیتی از تصویر را به اطلاع شما برساند. مثلاً به شما بگوید در عکس، سگی در چمن نشسته است. اگر افرادی در تصویر باشند، تعداد، جنسیت، پوشش بالا‌تنه و پیری یا جوانی آنها را به اطلاع شما خواهد رساند. همچنین اگر جزئیات بیشتری هم در تصویر وجود داشته باشد، آن را هم اعلام می‌کند. مثلاً اگر تپه یا رودی در تصویر مشاهده شود، لوک‌اوت آن را به اطلاع شما خواهد رساند. نکته مهم درباره لوک‌اوت این است که این اپلیکیشن همۀ این کار‌ها را به شکل برون‌خط و بدون نیاز به اتصال به شبکۀ اینترنت انجام می‌دهد. در‌حال‌حاضر توضیحات به انگلیسی ارائه می‌شوند؛ اما قرار است به زودی زبان‌های دیگری هم در لوک‌اوت پشتیبانی شود. در نسخه صوتی پیشخوان با نحوۀ کار نمایشگر بریل در اندروید ۱۳ و همچنین یکی‌دو قابلیت دیگری که به قابلیت‌های دسترسی در این نسخه از اندروید اضافه شده، اشاره خواهیم کرد.

### **توسعه صفحه‌خوان جاز در دل مراتع استرالیا**

اگر کسی مدعی شود که بیش از دو دهه است که یکی از اصلی‌ترین بخش‌های مربوط به توسعه و برنامه‌نویسی صفحه‌خوان قدیمی و محبوب جاز در همسایگی آغل و طویله و موتور و چاه آب و تراکتور انجام می‌شود، احتمالاً باور نکنید؛ اما اگر شنونده اپیزود ۲۱۵ از پادکست اِف‌اِس‌کَست[[5]](#footnote-5) باشید، چاره‌ای جز باور این ادعا برایتان نمی‌ماند. میهمان آخرین شماره از این پادکست، یک برنامه‌نویس نابینای استرالیایی به نام «ژُوزِف اِستیوِن[[6]](#footnote-6)» است. آنطور که ژوزف خود می‌گوید، ظاهراً در کودکی یکی دو درصدی بینایی داشته؛ اما این بینایی به اندازه‌ای نبوده که بتواند در مدرسه بینایی تحصیل کند؛ به مدرسه نابینایان می‌رود و در آنجا اتفاقات بزرگی برایش رقم می‌خورد. او دربارۀ بازی‌های دوران کودکی می‌گوید که به لگو علاقه‌مند بوده و همیشه چیز‌های جالبی را با این اسباب‌بازی می‌ساخته است. از‌جمله سرگرمی‌های دیگرش این بوده که دستگاه‌های الکترونیکی خراب را باز کند و دل‌و‌روده‌اش را بیرون بریزد و در نهایت هم در سرهم‌ کردن دوباره‌اش به مشکل بخورد. در آستانۀ نوجوانی به برنامه‌نویسی علاقه‌مند شده و این کار را از طریق ابزار‌هایی نظیر وی‌آی‌سی-۲۰[[7]](#footnote-7) آغاز کرده است و بعد هم کار را با بِیسیک و بعد هم کد‌نویسی ماشین و دستگاه‌های کمودور ۶۴ ادامه داده است. او همۀ این کار‌ها را زمانی انجام داده که هنوز هیچ صفحه‌خوانی وجود نداشته است. وقتی مجری با اشاره به این موضوع، از او دربارۀ چگونگی برنامه‌نویسی‌کردنش بدون صفحه‌خوان پرسید، ژوزف توضیح داد که کد‌ها را به بریل بر روی کاغذ می‌نوشت و همه را یک‌جا وارد سیستم می‌کرد. تصورش هم خسته‌کننده است؛ چرا‌که بدون صفحه‌خوان، کار‌هایی نظیر عیب‌یابی و افزودن خطوط جدید کد به برنامه‌ای که در حال نوشتن است، واقعاً به کابوسی می‌ماند؛ اما ژوزف در نوجوانی این کار‌ها را کرده است.

ژوزف از آموزش‌های دوران مدرسه برای ما تعریف می‌کند؛ جایی که او با نجاری و چگونگی استفاده از ابزار‌هایی نظیر مته، اره‌های برقی و ابزار‌های اندازه‌گیری هندسی آشنا می‌شود. او همچنین از سبک زندگی فعلی‌اش می‌گوید؛ جایی که با همسر و فرزندانش در زمینی کشاورزی به مساحت ۲۰۵ هکتار، احاطه‌شده درپنج هزار هکتار جنگل، زندگی می‌کند. او از فعالیت‌هایی که خودش به‌عنوان یک کشاورز نابینا انجام می‌دهد، برایمان می‌گوید و اینکه چطور به کمک فرزندانش می‌تواند یک زمین کشاورزی به گستردگی ۲۰۵ هکتار را با همۀ کار‌های مختلفی که در آن صورت می‌گیرد، اداره کند.

زندگی ژوزف اما به کشاورزی و نجاری خلاصه نمی‌شود. او در دانشگاه ریاضی و برنامه‌نویسی خوانده و از سال ۱۹۹۹ هم با کمپانی معتبر فریدِم سایِنتیفیک[[8]](#footnote-8) به‌عنوان برنامه‌نویس همکاری داشته است. نوشتن اسکریپت برای اپلیکیشن کلیدی اینترنت اکسپلورر[[9]](#footnote-9) یکی از فعالیت‌های جریان‌ساز او در این کمپانی بوده است. او در سال ۲۰۰۵ این کار را انجام داد و تقریباً می‌توان گفت پایه‌گذار بسیاری از روش‌ها و اصطلاحاتی بود که در پیکره‌بندی متون، همچنان حتی در سایر صفحه‌خوان‌ها هم استفاده می‌شود. او که جاز را فرزند خود می‌داند، از نحوۀ آشنا‌شدنش با این کمپانی و کار‌هایی که تا‌به‌حال در این شرکت انجام داده و نوع نگاهی که کارمندان این شرکت به محصولاتشان دارند، برایمان می‌گوید. حکایت زندگی ژوزف استیون، مستلزم داشتن وقتی فراخ است و چه فرصتی مناسب‌تر از نسخۀ صوتی پیشخوان برای این کار! در فایل صوتی، از جزئیات فعالیت‌های حرفه‌ای ژوزف در مدرسه و زمین کشاورزی‌اش و چگونگی کارش در شرکت فریدم ساینتیفیک به تفصیل برایتان صحبت کرده‌ایم. همچنین قدری هم دربارۀ دیگر مهمان این شماره از اف‌اس‌کست گفت‌وگو کرده‌ایم که فرد نابینایی است که یک آژانس مسافرتی با هدف تضمین سفر ایمن و آسان برای افراد دارای معلولیت راه‌اندازی کرده است؛ از راه‌هایی خواهیم گفت که این کار‌آفرین در وبسایتش پیاده‌سازی کرده تا خیال گردشگران دارای معلولیت را از بابت استاندارد‌های مناسب‌سازی محیطی مقصد‌های سفرشان راحت کند. نسخۀ صوتی پیشخوان را در صفحه اینستاگرام، کانال‌های ما در تلگرام و واتساپ و ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا بشنوید.

## **دوستی که پنهانش می‌کنیم**

**زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران**

در حال خروج از ایستگاه مترو بود. می‌خواست به آن سوی خیابان برود و سوار اتوبوس بشود که دختر جوانی به سمت او آمد و دستش را گرفت و با او همراه شد. دختر کم‌بینا هم چیزی نگفت و با تشکری ساده با او همراه شد. روی پله‌های برقی که بودند، پرسید: «تو برادر هم داری؟» شگفت‌زده از این که راهنمایی یک فرد آسیب‌دیده بینایی چه ارتباطی می‌تواند با داشتن یا نداشتن برادر داشته باشد، گفت: «بله!» و پاسخ دختر جوان که گفت: «چطور غیرت برادرت اجازه داد که تو را با این شرایط سخت، تنها بیرون بفرستد؟ خانواده‌ات نمی‌ترسند تصادف کنی یا از جایی بیفتی یا هزاران اتفاق دیگر برایت بیفتد و سالم به خانه برنگردی؟»، این بار بیشتر شگفت‌زده‌اش کرد و پاسخ داد: «خانم عزیز! متشکرم که مرا همراهی کردی؛ ولی دوست دارم بدانی که من هر روز با کمک همین عصای سفیدم به دانشگاه و محل کارم می‌روم و نیاز به کمک برادر یا کس دیگری ندارم.» اما با نشستن در اتوبوس به فکر فرو رفت و تمام مسیر با خودش می‌جنگید که این آخرین باری نباشد که تنها بیرون می‌آید.

این داستانی است آشنا برای بسیاری از افراد آسیب‌دیده بینایی. داستانی که برای دوست من پیش آمده، بی‌شباهت به هزاران داستان دیگری که برای افراد آسیب‌دیده بینایی هم‌وطن ما پیش آمده و آنها را بی‌انگیزه کرده و متأسفانه یا خانه‌نشین‌شان کرده یا موجب شده هر بار می‌خواهند برای رفتن به محل کار، دانشگاه، کلاس، گردش و تفریح، دیدن دوستان و آشنایان و ... از خانه بیرون بیایند، به این بیندیشند که مردم دربارۀ ایشان چه تصوری دارند و آنها را چگونه می‌بینند؛ نگاه‌هایی که باعث می‌شود پدر و مادر یا خواهر و برادر افراد آسیب‌دیده بینایی تصور کنند بهتر است به‌جای حمایت از فرزند یا خواهر و برادر با آسیب بینایی برای تبدیل شدن به فردی مستقل و توانمند جامعه، تمام نیاز‌های او را تأمین کنند و او را در خانه و در کنار خود نگه‌دارند. چرا؟ چون کسی نپرسد که «برادر هم داری و تنها با عصای سفیدت بیرون آمده‌ای؟!»

نیک می‌دانیم که اولین گام در حل هر مسئله، شناخت دقیق آن و رسیدن به درک کامل مسئله است. در اینجا اگر آسیب بینایی را مسئلۀ اصلی در نظر بگیریم؛ شناخت مسئله را می‌توانیم پذیرش خود به عنوان فردی با آسیب بینایی تعریف کنیم. فرد آسیب‌دیده بینایی باید در ابتدای مسیر پر‌‌‌‌پیچ‌‌و‌‌‌خم استقلال، خود را به‌عنوان فردی با آسیب بینایی بپذیرد و از معرفی خود به‌عنوان فرد آسیب‌دیده بینایی در کنار تمام ویژگی‌های مثبت و منفی شخصیتی، نهراسد و خجالت نکشد. یکی از پرسش‌هایی که خیلی زود تبدیل به دغدغۀ ذهنی افراد آسیب‌دیده بینایی می‌شود، این است که دیگران مرا چگونه می‌بینند و در مورد من چه نظری دارند. در پژوهشی که در استرالیا انجام شده، از شرکت‌کنندگان خواسته شده بود هنگامی که فرد آسیب‌دیده بینایی را در حال تردد با کمک عصای سفید می‌بینند، احساس خود را بیان کنند. بیشتر شرکت‌کنندگان پژوهش گفتند که این فرد را به‌خاطر شجاعت و اعتماد‌به‌نفسش می‌ستایند. آنها وقتی می‌دیدند فردی بدون اینکه بتواند محیط اطراف را ببیند، تنها با عصای سفید بلند، مسیر خود را پیدا می‌کند و به‌تنهایی تردد می‌کند، دچار نوعی حس مثبت شبیه غرور و افتخار شدند. برخی افراد نیز گفتند ترجیح می‌دهند به این افراد برای تردد راحت‌تر کمک کنند. جالب اینجاست که موردی از ایجاد حس تمسخر یا تمایل به آزار فرد آسیب‌دیده بینایی گزارش نشد. در بخش دیگری از پژوهش نیز از افراد با آسیب بینایی خواسته شد خود را در حال دیدن عبور فردی با عصای سفید تصور کنند و احساس خود را گزارش کنند. نتیجه شگفت‌انگیز بود: آسیب‌دیدگان بینایی پس از اندکی تفکر در مورد احساس خود از دیدن فردی با عصای سفید، دیگر به اندازه قبل از دیده شدن با عصای سفید خجالت نمی‌کشیدند و احساس بهتری از تردد مستقل با کمک عصا داشتند.

نکته دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که درصد بالایی از افراد جامعه، هیچ توجهی به فردی که با عصای سفید تردد می‌کند ندارند و بدون هیچ واکنشی از کنار این افراد می‌گذرند. بیشتر افراد این گروه معتقدند آسیب‌دیدگان بینایی جز در موارد خاص و در مکان‌های خطرناک نیاز به کمک و راهنمایی ندارند. اما مسئله‌ای که در اینجا رخ می‌نماید این است که افراد آسیب‌دیده بینایی در هنگام تردد با عصای سفید، این افراد که درصد بالایی از جامعه هستند را نادیده می‌گیرند و یکی دو نفری را که با دیدن آن‌ها یا شکر خداوند را به‌جا می‌آورند یا بی‌ملاحظه، فرد آسیب‌دیده بینایی را به همراه خود نشان می‌دهند و می‌گویند: اونجا رو! ...!، در مرکز توجه قرار می‌دهند و با این توجه سوگیرانه و نشخوار ذهنی این خاطره، دچار شرم و اضطراب و کاهش اعتماد‌به‌نفس می‌شوند. این افراد اگر هشیارانه به محیط اطراف و انسان‌های پیرامون خود بنگرند، متوجه می‌شوند کسانی که از دیدن فرد با آسیب بینایی متعجب می‌شوند و واکنش‌های نامتعارف نشان می‌دهند، درصد ناچیزی از جامعه را تشکیل می‌دهند و پا‌پس‌کشیدن و گذشتن از حق زندگی مستقل به‌خاطر فرار از اظهار نظر‌های این گروه اقلیت، به هیچ‌ عنوان منطقی به نظر نمی‌رسد.

از دیگر تصورات نادرستی که در ارتباط با عصای سفید و استفاده آن در میان برخی افراد آسیب‌دیده بینایی یا حتی خانواده ایشان وجود دارد، این است که عصای سفید موجب می‌شود دیگران متوجه آسیب بینایی فرد شوند و اگر بدون عصا حرکت کنند، آسیب بینایی آن‌ها حس نمی‌شود. تنها با چند دقیقه تفکر متوجه می‌شویم که این عصای سفید نیست که آسیب بینایی را به نمایش می‌گذارد و نشانگان دیگری از جمله ظاهر چشمان فرد، نوع حرکت کردن و... برای تشخیص آسیب بینایی فرد وجود دارد و عصای سفید تنها توان‌مندی و استقلال فرد با آسیب بینایی را به نمایش می‌گذارد.

اما موارد بسیار زیادی وجود دارد که فرد آسیب‌دیده بینایی با پذیرش آسیب بینایی و شرایط ناشی از آن، تصمیم می‌گیرد از عصا استفاده کند و در مسیر استقلال حرکت کند؛ اما متأسفانه خانواده و اطرافیان وی احساس می‌کنند که باید هر‌گونه خدماتی ارائه کنند و تمام نیاز‌های فرد با آسیب بینایی را برطرف کنند و در عوض نگذارند او به‌تنهایی و بدون کمک ایشان از خانه بیرون برود تا خطری سلامت او را تهدید نکند. کاش این خانواده‌های دلسوز لحظه‌ای را صرف اندیشه کنند و ببینند با این لطف و مهربانی و در قبال چیزی که به فرد آسیب‌دیده بینایی می‌بخشند؛ چه حق بزرگی را از او دریغ می‌کنند! حق زندگی مستقل چیزی است که از فرد با آسیب بینایی گرفته می‌شود و این حق از اساسی‌ترین حقوق هر انسانی است و قطعاً هیچ چیز نمی‌تواند جای خالی آن را پر کند.

در پایان می‌توانیم بگوییم که صرف‌نظر از ترس و نا‌آگاهی از کمک بزرگی که استفاده از عصای سفید می‌تواند به فرد آسیب‌دیده بینایی بکند، ترس از دیده‌شدن با عصای سفید و چگونه به نظر دیگران رسیدن، از بزرگ‌ترین موانع زندگی مستقل افراد با آسیب بینایی است. نظرات مثبت و منفی و نگاه‌های متفاوت همیشه و در هر موقعیتی وجود دارند؛ ولی حتی تمام آب اقیانوس هم نمی‌تواند قایقی را غرق کند، مگر اینکه آب در قایق راه یابد. پس بیایید و نگذارید که نگاه و واکنش رهگذران درون شما رخنه کند و حق زندگی مستقل را از شما، فرد با آسیب بینایی یا از عضو با آسیب بینایی خانواده شما بگیرد.

## **چه خبر از کنفرانس سی‌اس‌یو‌ان ۲۰۲۲**

**میثم امینی: مترجم انگلیسی**

کنفرانس تکنولوژی کمکی سی‌اِس‌یو‌اِن که دانشگاه ایالت کالیفرنیا هر‌ساله آن را برگزار می‌کند، امسال بعد از کنفرانس کاملاً مجازی سال ۲۰۲۱ که در آن محصولات جدید زیادی معرفی نشد، به‌صورت حضوری برگزار شد. کنفرانس امسال به بزرگی کنفرانس‌های سال‌های قبل نبود؛ ولی به‌اندازۀ کافی بزرگ بود و محصولات و تکنولوژی‌های زیادی در آن معرفی شدند. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصۀ گزارشی است که ماهنامه اَکسِس وُرلداز[[10]](#footnote-10) این کنفرانس و نمایشگاه منتشر کرده است.

### کنفرانس سی‌اس‌یو‌ان ۲۰۲۲**عبور و مرور با برنامه گود‌مپس**

یکی از چالش‌های مهمی که در هر کنفرانس بزرگ با آن روبه‌رو می‌شویم، موضوع عبور‌‌و‌‌مرور بازدیدکنندگان بین بخش‌های مختلف در کنفرانس است. طی سال‌ها تراش‌های بسیاری برای ارائۀ شکل‌های مختلفی از راهنمایی برای پیمایش درون‌ساختمانی در کنفرانس‌ها صورت گرفته است؛ از توصیف مسیرها به‌صورت نوشتاری گرفته تا سطح اولیه‌ای از راهنمایی پیمایش با استفاده از بیکُون‌های بلوتوسی. گودمَپس اِکسپِلُور یک برنامه رایگان برای آی‌اُو‌اِس و اَندرُوید است که هم راهنمایی پیمایش خارج از ساختمانی و هم جهت‌یابی و راهنمایی پیمایش داخل‌ساختمانی را برای ساختمان‌هایی ارائه می‌دهد که تکنولوژی مربوط به حرکت داخل آنها آماده شده است. به‌جای استفاده از بیکون (راهنمای رادیویی)، یک ساختمان اول با یک دوربین قابل حمل اسکن می‌شود که از لیدار پشتیبانی می‌کند. لیدار، مخفف عبارتی به معنای تشخیص نور و اندازه‌گیری فاصله است و از آن برای اندازه‌گیری فاصله متغیر استفاده می‌شود؛ قابلیت خاصی که برای تشخیص اینکه دقیقاً چه اشیایی داخل یک ساختمان قرار دارند، به‌کار می‌رود. لیدار نقشه‌ای الکترونیکی از مسیر حرکت تهیه می‌کند. این همان کاری است که مغز انسان پیش از جابه‌جایی فرد انجام می‌دهد. وقتی کاربر برنامه گودمپس را باز می‌کند و محلی را به آن اضافه می‌کند که راهنمایی پیمایش برای آن در دسترس است، این موضوع به او اطلاع داده می‌شود و سپس کاربر می‌تواند تلفن همراه خود را به‌صورت عمودی به سمت دیگری بگیرد تا از موقعیت خود مطلع شود. وقتی این موقعیت تشخیص داده شد، کاربر می‌تواند با راهنمایی برنامه به مکان‌های مجاور برود؛ مثلاً نزدیک‌ترین سرویس بهداشتی یا کافی‌شاپ. اگر کاربر انتخاب کند که از برنامه راهنمایی بگیرد، بعد از دریافت راهنمایی می‌تواند شروع به راه‌رفتن و دنبال‌کردن راهنمایی برنامه کند و هر ۶ تا ۹ متر راهنمایی جدیدی را دریافت کند. در تجربه ما این امکان در راه‌روها و فضاهای تعریف‌شده بهترین کارکرد را داشت؛ ولی در مکان‌هایی مثل فضای باز و بزرگ لابی یک هتل کاربرد کمتری داشت. همچنین در حال حاضر استفاده از این تکنولوژی در فضاهایی که چیدمان آنها معمولاً ثابت است، کاربرد موفق‌تری دارد؛ برخلاف یک سالن نمایشگاه که چیدمانش هر‌بار برای هر رویداد تغییر می‌کند. برنامه هنوز در مراحل اولیه توسعه است و این کنفرانس فرصت فوق‌العاده‌ای را به‌وجود آورد برای اینکه شرکت سازنده کارکرد این تکنولوژی را عملاً به‌صورت زنده مشاهده کند.

یکی از مواردی که گودمپس را از سایر پلتفرم‌های راهنمایی پیمایش درون‌ساختمانی متمایز می‌کند، این است که هزینه پیاده‌سازی این تکنولوژی بسیار پایین‌تر از موارد مشابه است؛ زیرا نیازی به نصب و نگهداری بیکون‌های بلوتوسی در سراسر ساختمان نیست؛ بلکه به‌گفته شرکت سازنده این برنامه، فقط نیاز به بیکون در ورودی ساختمان است.

### **یادداشت‌برداری بهتر با یادداشت‌بردار جدید شرکت هیمز**

در سال ۲۰۲۱ شرکت هیمز بِرِیل‌سِنس۶، نسخه به‌روز‌شده یادداشت‌بردار اندرویدی قبلی خود را ارائه داد. حالا هیمز برای نسخه مینی‌یادداشت‌بردار بریل قبلی خود نیز به‌روزرسانی و امکانات جدیدی را ارائه کرده است و آن را به بریل‌سنس۶ مینی تغییر‌نام داده است. این یادداشت‌بردار، ۲۰خانه بریل و همچنین پردازشگر مدرن هشت‌هسته‌ای و ۱۲۸ گیگابایت حافظه دارد. این دستگاه همچنین یک دوربین ۱۳ مگاپیکسلی، بلوتوس نسخه ۵٫۱ و وایفای ۸۰۲٫۱۱ ای‌سی دارد که برای اجرای نسخه‌های به‌روز اپلیکیشن‌های اندرویدی سرعت مناسبی دارد. علاوه بر تفاوت قابل‌ملاحظۀ این دستگاه در تعداد خانه‌ها، بریل‌سنس ۶ مینی به‌جای یک جای حافظه اِس‌دی با اندازه بزرگ، یک جای کارت حافظه میکرُو اس‌دی؛ به‌جای بلندگوی استریو، یک بلندگوی مُونُو و به‌جای چهار پورت یو‌اِس‌بی کامل روی نسخه ۳۲خانه‌ای دستگاه، دو پورت یو‌اس‌بی-سی دارد. هم روی بریل‌سنس ۶ و هم بریل‌سنس ۶ مینی سیستم‌عامل اندروید نسخه ۱۰ قرار دارد که با وجود اینکه جدیدترین نسخۀ این سیستم‌عامل نیست؛ ولی توان اجرای برنامه‌های امروزی را دارد.

یکی از امکانات مفید این یادداشت‌بردار بریل، امکان اتصال آن به گسترۀ وسیعی از وسایل خارجی مثل وب‌کم یو‌اس‌بی و بلندگوهای خارجی است.

### **یادداشت‌برداری گویا با اوربیت اسپیک**

اُوربیت ریسِرچ یک محصول جدید به نام اوربیت اِسپیک را معرفی کرد که یک دستگاه یادداشت‌بردار کوچک بر پایۀ گفتار است و قرار است در پاییز امسال به بازار عرضه شود. این دستگاه ۲۲۶ گرمی شبیه ولی کمی ضخیم‌تر از اوربیت رایتِر (صفحه‌کلید بریل ۹۹دلاری عرضه‌شده توسط این شرکت در سال ۲۰۲۰) است. در‌حالی‌که اوربیت رایتر فقط یک صفحه‌کلید است که برای تایپ به تلفن همراه یا رایانه متصل می‌شود، اوربیت اسپیک همچنین امکانات پایه یادداشت‌برداری که در برجسته‌نگارهای اوربیت‌ریدِر ۲۰ و ۴۰ یافت می‌شود را البته بدون نمایشگر بریل دارد. امکانات اضافی مثل قابلیت دریافت کتاب از بوکشِر و سایر سرویس‌ها هم در حال بررسی هستند. این دستگاه از یو‌اس‌بی-سی برای شارژ استفاده می‌کند و شامل یک جای حافظه اس‌دی و جَک هدفون است.

### **استفاده از خدمات راهنمایی آیرا در رایانه**

برنامه ارائه کمک‌دیداری آیرا سال‌هاست که خدمات خود را از طریق یک اپلیکیشن موبایلی ارائه داده است؛ اما برخی کاربران اغلب از این پلتفرم برای کارهای رایانه‌ای استفاده می‌کنند. در‌حال‌حاضر دریافت کمک برای پیمایش در یک وبسایت که دسترس‌پذیر نیست یا انجام کارهای رایانه‌ای، معمولاً به استفاده از یک برنامه به نام تیم‌ویوِر نیاز دارد که روشی است برای کارکنان آیرا جهت مشاهده و کار با صفحۀ رایانه کاربر. هرچند این راه‌حلی قابل‌اعتماد است؛ اما معمولاً به مقداری آماده‌سازی نیاز دارد و در بسیاری موارد قبل از اینکه هیچ کار مفیدی انجام شود، دقایقی که کاربر بابت آنها پول پرداخت می‌کند را هدر می‌دهد. نسخه دسکتاپ آیرا در پی تغییر این وضعیت است و گزینه تماس با کارکنان آیرا را مستقیم از رایانه برای کاربران فراهم کرده است. آیرا با تمرکز روی کارهای مربوط به رفت‌و‌آمد نابینایان کار خود را شروع کرد؛ اما کاربران به راه‌های جدیدی برای بهره‌گیری از قدرت این خدمت فکر کردند و نیاز به کمک دیداری در سایر زمینه‌ها در طول زمان گسترش یافت. نسخه دسکتاپ آیرا در‌حال‌حاضر در فاز آزمایشی است و انتظار می‌رود امسال منتشر شود.

### **چاپ گرافیک‌های بریل با چاپگر ویو‌پلاس**

وی‌پی رُوگ و روگ‌شیت چاپگرهای بریل جدید با چاپ یک‌طرفه هستند که روی گرافیک‌های با کیفیت بالا و تهیه تصاویر با جزئیات زیاد تمرکز دارند. این تصاویر معمولاً به کار‌ آموزگاران یا طراحان آزمون‌های استاندارد می‌آید. روگ با قیمت ۵۹۹۵ دلار از کاغذ‌های دارای سوراخ در دو طرف استفاده می‌کند؛ در‌حالی‌که روگ‌شیت که ۵۰۰ دلار گران‌تر است، از کاغذ‌های بریده بدون سوراخ استفاده می‌کند. هر دو مدل با سرعت ۱۲۰ کاراکتر در ثانیه چاپ را انجام می‌دهند. البته مثل اکثر چاپگرهای دیگر، در هنگام چاپ تصاویر پیچیده، این سرعت تا حد قابل‌توجهی کاهش می‌یابد.

### **اطلاع از جغرافیای دنیا با کره جغرافیایی گویا**

یکی از تازه‌واردان به سالن نمایشگاه، شرکت اسپانیایی سیکسا فوتورُو بود. این شرکت انواع محصولات کمکی برای زندگی روزمره و اسباب‌بازی شامل ساعت‌های گویا و چند بازی تخته‌ای را به نمایش درآورده بود؛ اما محصولی که بیشترین توجه را به خود جلب کرد، کره جغرافیایی گویا بود. این کره جغرافیایی با قطری کمی بیشتر از سی سانتیمتر، برجستگی‌هایی را برای رشته‌کوه‌ها و سایر ویژگی‌های جغرافیایی بزرگ روی سطح خود داشت. این کره با یک قلم ارائه شده بود که کاربر می‌توانست آن را به سمت محل‌های مختلف روی کره بگیرد تا نام محل یا ناحیه‌ای که قلم آن را لمس کرده است، برای او اعلام شود. تراکم، کره‌ای به این اندازه مثلاً برچسب‌گذاری هر ایالت یا کشور کوچک در جهان را غیرممکن کرده است؛ اما نسخۀ نمایشی بیش از ۱۴۰ نقطه در جهان را در خود جا داده بود. نسخه‌هایی از این کره برای کشورهای مختلف در حال تولید است و انتظار می‌رود با قیمتی زیر ۲۰۰ دلار فروخته شوند.

### **مجهزشدن محصولات بیشتری از سونی به گفتار**

سونی، یکی از شرکت‌های غیر‌تخصصی حوزه نابینایان بود که امسال در نمایشگاه حضور داشت. علاوه بر محصولات قبلی مثل تلویزیون و پِلِی‌اِستِیشِن که دارای امکانات دسترس‌پذیری بودند، شرکت سونی محصولاتی را به نمایش گذاشته بود که هرچند برای افراد نابینا ساخته نشده بودند؛ احتمالاً با استقبال این مخاطبین روبه‌رو خواهندشد. یکی از این محصولات لینک‌بادز بود: یک جفت ایرباد بی‌سیم که یک سوراخ در مرکز خود دارند تا اجازه دهند صدای بیرون وارد گوش‌ها شود. علاوه بر این، کنترل‌کنندۀ حجم صدای قابل‌تطبیق خودکار دستگاه طوری طراحی شده است تا حجم صدا را بسته به محیط تنظیم کند. سونی همچنین در حال کار روی دسترس‌پذیری در مجموعه گسترده‌ای از محصولات از واکمن‌های همراه گرفته تا دوربین‌های ویدئویی است.

در قالب یک گزارش دیگر، به تفصیل در خصوص فناوری‌های مربوط به چاپ بریل در نمایشگاه امسال پرداخته‌ایم.

## **درک متقابل، کلید موفقیت نابینایان در موقعیت‌های ناشناخته**

**فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان آموزش و پرورش استثنایی گیلان**

ازآنجاکه بخش عمده‌ای از زندگی ما در اجتماع سپری می‌شود، به نظر می‌رسد بررسی تجربه‌های مختلف در برخوردهای اجتماعی افراد نابینا از اهمیت بالایی برخوردار باشد؛ ازاین‌رو بنا داریم در چند شماره به بیان تجربه‌هایی به ظاهر ساده اما قابل توجه بپردازیم؛ تجربه‌هایی که از زبان افراد نابینا بیان می‌شود یا از زبان افراد بینا در زمان مواجهه با یک فرد نابینا.

همان‌طور که می‌دانید، افراد نابینا نیز مانند سایرین برای برخورداری از خدمات اجتماعی و همچنین تهیه کالاها و خدمات مورد نیاز برای خود و خانواده در بخش‌های مختلف جامعه حضور دارند؛ مانند فروشگاه‌ها، نمایشگاه‌ها، رستوران‌ها، دانشگاه، مدرسه، پارک، سینما، مغازه‌های کوچک و بزرگ، باشگاه‌های ورزشی، هتل‌ها، بانک‌ها، نهادهای دولتی و غیردولتی، مؤسسه‌های کاریابی و... . افراد بینا به محض ورود به یک مکان ناآشنا با نگاه کردن به اطراف، مطالعۀ راهنماها و دنبال کردن علامت‌هایی که مسیرهای مختلف را نشان می‌دهد، تا حد زیادی به موقعیت خود در آن فضا مسلط می‌شوند؛ اما در خصوص افراد نابینا لازم است پیش از ورود به مکان موردنظر، اطلاعاتی را در مورد چگونگی فعالیت آن مجموعه داشته باشند.

تصور کنید همین حالا گوشی شما زنگ بخورد و شخصی در آن سوی خط خود را مأمور اداره آگاهی معرفی کند و از شما بخواهد خود را به کلانتری برسانید. چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ هم‌زمان ممکن است به چند مسئله فکر کنید؟ شاید هم کمی دست‌پاچه شوید. این اتفاقی است که مدتی پیش برای مهران رخ داده است. مهران نابینا است و همسر و فرزندانش همگی بینا هستند. او می‌گوید که از اداره آگاهی تماس گرفتند و اطلاع دادند که پسرش آنجاست. حالا او باید برود و ببیند موضوع از چه قرار است. می‌گوید: «همسرم ترسیده بود؛ من اما همیشه منتظر چنین روزی بودم. هرچه باشد پسرم گواهی‌نامه نداشت و پشت فرمان ماشین می‌نشست. از حق نگذریم، من هم کمی نگران بودم. وقتی صحبت‌های مأمور آگاهی را شنیدم، متوجه شدم که پسرم شاهین هنگام رانندگی در شب، از چراغ‌های تزیینی ماشین استفاده کرده و با این کارش توجه پلیس راهنمایی و رانندگی را به خود جلب می‌کند. البته او بعد از فرمان ایست، از دست پلیس فرار می‌کند و سرانجام در یک کوچه بن‌بست متوقف می‌شود. با خودم فکر کردم حق با پلیس است و در حال حاضر ظاهراً کاری از من ساخته نیست، خواهش و التماس هم راه به جایی نمی‌برد؛ چرا که شاهین این کار را کرده بود. باید تصمیم بهتری می‌گرفتم. مدبرانه با پلیس همراه شدم و پسرم را دعوا کردم. به او گفتم چرا این همه با اصرار سوییچ را از من می‌گیرد و یا اینکه چرا این همه مرا اذیت می‌کند. مأمور هم تذکرهای مشابهی به او می‌داد و از او خواست که برای من ایجاد دردسر نکند. شاهین هم در کمال ادب چند بار از من و پلیس عذرخواهی کرد. سر انجام پسرم مورد بخشش قرار گرفت و ما از آنجا خارج شدیم.

از ایشان می‌پرسم که چرا با وجود مسئله نابینایی، برای خود اتومبیل تهیه کرده است که پاسخ می‌دهد: «اتومبیل را برای همسرم تهیه کردم؛ اما او با اینکه گواهی‌نامه دارد، رانندگی نمی‌کند».

مهران به رانندگی پسرش اطمینان دارد. آنها کیلومترها با یکدیگر سفر کرده‌اند.

از او می‌خواهم برایمان بگوید چطور متوجه شد که پسرش استعداد رانندگی دارد و چه کسانی رانندگی را به او یاد داده‌اند.

«بچه که بود، برایش دوچرخه خریدم. وقتی دیدم خوب حرکت می‌کند، کم‌کم کمک‌های دوچرخه را باز کردم. زمانی که بینایی داشتم، دوچرخه‌سواری می‌کردم. پس با صدای حرکت خوب دوچرخه آشنا هستم. برایش ماشین شارژی هم خریدم. متوجه شدم که به رد شدن از فضاهای باریک مانند میله‌های کنار پارک علاقه زیادی دارد و البته این چالش‌ها را هم به‌راحتی پشت سر می‌گذاشت؛ بنابر این وقتی که خواست کنار برادرم رانندگی را یاد بگیرد، مانعش نشدم».

می‌گویم: «شما که این‌همه به رانندگی پسرتان اطمینان دارید، چرا در برابر پلیس از حقوقش دفاع نکردید و او را دعوا کردید؟»

«من سه راه داشتم. یا باید کنار پسرم قرار می‌گرفتم و به پلیس التماس می‌کردم و یا باید به پشتیبانی از پسرم با پلیس درگیر می‌شدم. هیچ یک از این دو راه ما را به نتیجه مطلوبی نمی‌رساند. این بود که راه سوم را انتخاب کردم. تصمیم گرفتم کنار پلیس بمانم و مسئله را از زاویه نگاه او بررسی کنم. به‌این‌ترتیب میان من و پلیس درک متقابل پیش می‌آمد که سبب می‌شد پلیس هم برای حل شدن موضوع تلاش کند».

در چنین شرایطی فرد نابینا علاوه بر نگرانی‌های متداول، فشارهای بیشتری را تحمل می‌کند. او باید به زوایای مختلف این دیدار فکر کند؛ او باید به چگونگی رفت و برگشت خود فکر کند (به آدرس دقیق اداره مورد نظر و پله‌ها و راهروها و موانع و امکانات احتمالی)؛ به اینکه تصمیم بگیرد کسی را همراه خود ببرد یا نه؛ به اینکه آیا فردی که با او صحبت می‌کند، توجهی به گفته‌هایش دارد یا نه (آن هم در شرایطی که برخی پزشکان تحصیل‌کرده هنوز هم از همراه فرد نابینا علت بیماری‌اش را سؤال می‌کنند)؛ با همۀ این اوصاف، تلاش کند تا همچنان بر موضوع مورد بحث مسلط بماند و از اطلاعات کمک‌کننده به موقع استفاده نماید.

این موارد فشار بیشتری را به فرد نابینا تحمیل می‌کند که در سایه تدبیر، فرد نابینا هم می‌تواند با حفظ آرامش، تمام امکانات خود را به‌کار گیرد و به حل مسئله بپردازد.

با امید به اینکه در تعامل‌های اجتماعی، درک متقابل یکی از ویژگی‌های همیشگی ما باشد، این بخش از ستون زندگی را به پایان می‌بریم.

روزهایتان پر از شوق زندگی!

## **نقش انجمن‌های حوزه معلولان در ایجاد تغییرات فرهنگی**

**ابوذر سمیعی: دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی**

تردیدی نیست که بیشتر مسائل و مشکلات حوزه افراد دارای معلولیت، ریشه در موضوعات فرهنگی-اجتماعی دارد و برای عبور از این مسائل، راهی جز آموزش و انجام کارهای فرهنگی به نظر نمی‌رسد. جدایی افراد دارای معلولیت از جامعه به واسطۀ برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های نادرست صورت‌گرفته، موجب شده عموم جامعه اطلاعات اندک و ناقصی دربارۀ معلولیت داشته باشند. از‌سوی‌دیگر، رسانه‌ها نیز با ارائه اطلاعات غیرمعتبر و سلیقه‌ای در این حوزه و استفاده از افراد دارای معلولیت صرفاً به منظور جلب مخاطب، بر عدم آگاهی عموم جامعه دامن زده‌اند. همۀ این موضوعات باعث شده چرخه‌ای معیوب درخصوص افراد معلول شکل بگیرد که طی آن، این افراد به دلیل عدم شناخت جامعه از آنان، توانایی حضور در اجتماع را نداشته باشند و غیبت آنان در تعاملات اجتماعی نیز باعث بازتولید ناشناسی بیشتر آنان شود. در این میان شکستن این چرخه و توقف آن، تنها از راه آموزش و معرفی افراد دارای معلولیت امکان‌پذیر است و بس. ارائه آموزش‌های معتبر و پرداختن به مسائل فرهنگی حوزه معلولان، از موضوعاتی است که باید بیشتر مورد توجه قرار بگیرد.

انجمن باران شهرستان قروه در استان کردستان، به‌عنوان یکی از فعال‌ترین انجمن‌های حوزه افراد دارای معلولیت در سراسر کشور همواره تلاش کرده برنامه‌های آموزشی‌فرهنگی در خصوص معرفی هر‌چه‌بیشتر افراد دارای معلولیت داشته باشد. این‌بار این انجمن، با هدف ارتقاع دانش عمومی در حوزه معلولان، اقدام به برگزاری کارگاه تربیت مدرس «چگونگی تعامل با افراد دارای معلولیت» نمود. در این کارگاه دو‌ روزه که به‌صورت حضوری در شهرستان سنندج و با همکاری انجمن باران، اداره کل بهزیستی و استانداری استان کردستان برگزار شد، نمایندگانی از انجمن‌های حوزه معلولان سراسر استان، کارشناسان توانبخشی ادارات بهزیستی استان و نمایندگانی از سایر ادارات از جمله آموزش و پرورش و شبکه بهداشت استان حضور داشتند.

این کارگاه مجموعاً در دو روز و دوازده ساعت آموزشی و با هدف تربیت مدرس برگزار شد. درواقع هدف از این کارگاه، بحث و گفت‌وگو و به‌اشتراک‌گذاشتن محتوای آموزشی بود که مدرسان می‌توانستند چکیده آن را در کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی کوتاهی استفاده کنند که خود برگزار خواهند کرد. بخش‌های مختلف این کارگاه عبارت بودند از: چگونگی تعامل با نابینایان و کم‌بینایان، ناشنوایان و کم‌شنوایان، افراد ناشنوا-نابینا، معلولان حرکتی، معلولان ذهنی و کودکان مبتلا به اوتیسم و نیز پرداختن به نکات کلی و عمومی در خصوص مسائل حوزۀ معلولان از جمله دسترس‌پذیری فیزیکی و مجازی، تبعیض علیه معلولان، بازنمایی معلولان در رسانه و موضوعاتی از این قسم.

نکتۀ برجستۀ این کارگاه، پرداختن به موضوعات حوزه معلولیت به صورت عملی بود. افرادی که در کارگاه حضور داشتند، عملاً نکات آموزش‌داده‌شده را اجرا کردند و در تعامل با معلولان حاضر در کارگاه، به خوبی نحوۀ تعامل با این افراد و مسائل مربوط را فرا گرفتند. اگر‌چه بسیاری از افراد شرکت‌کننده، از پیش با موضوع معلولیت تا حدود زیادی آشنا بودند؛ اما به دلیل اینکه آنها صرفا در یک حوزۀ خاص مشغول به کار بودند، با سایر معلولیت‌ها به‌صورت تخصصی آشنا نبودند. به‌عنوان‌نمونه، کارشناسان حوزه نابینایان یا ناشنوایان دربارۀ موضوع کودکان اوتیسم اطلاعات کمتری داشتند.

علاوه‌بر‌این، تعاملی بودن این کارگاه موجب می‌شد از اطلاعات و تجارب کارشناسان حاضر در جلسه نیز تا حد امکان بهره گرفته شود و به نوعی تبادل اطلاعات صورت بگیرد. همچنین حضور افراد غیر‌متخصص در کنار متخصصان حوزه معلولیت نیز باعث می‌شد سطح کارگاه تعدیل یابد و کاربردی‌تر شود؛ بدان‌معنی که افراد متخصص حوزه معلولان با مشاهدۀ افرادی که با معلولیت آشنا نبودند، عملاً متوجه نیازهای واقعی آنان در حوزۀ معلولیت شوند و بیش‌‌از‌حد نیاز، وارد موضوعات تخصصی و غیرضرور معلولیت نشوند.

دیگر موضوع قابل توجه، همکاری اداره کل بهزیستی استان کردستان با انجمن باران در برگزاری این کارگاه آموزشی بود. این اداره کل با در اختیار قرار دادن سالن کنفرانس جهت برگزاری کارگاه و نیز فراهم کردن محل اسکان برای شرکت‌کنندگان، کیفیت برگزاری کارگاه را تا حد قابل قبولی افزایش داد. حضور مدیرکل بهزیستی این استان در بخش افتتاحیه کارگاه نیز نشان از نگاه همراه و همدلانه این دستگاه با انجمن باران و فعالیت‌های حوزه معلولان داشت. لازم‌ به ذکر است که این کارگاه در روزی برگزار شد که به دلیل آلودگی هوا و وجود ریزگرد، استان کردستان تعطیل اعلام شده بود؛ اما با‌این‌حال کارگاه با موافقت شرکت‌کنندگان برگزار شد و اداره بهزیستی نیز مشکلی در فراهم کردن امکانات کارگاه در روز تعطیل نداشت.

مراد از ذکر این گزارش، پرداختن به اهمیت نقش انجمن‌های حوزه معلولان در ارائه آموزش‌های معتبر به عموم مردم و ایجاد تغییرات فرهنگی در این زمینه است. بی‌شک در وضعیت کنونی یکی از پرقوت‌ترین و توانمندترین نهادها در حوزه معلولان، نهادهای غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد است. این سازمان‌ها با ظرفیت‌های بالقوه‌ای که دارند، می‌توانند برنامه‌های متنوعی را به اجرا در بیاورند. به‌ویژه یکی از ضروری‌ترین موضوعاتی که لازم است این انجمن‌ها به آن بپردازند، حوزۀ آموزش و فرهنگ‌سازی است. در این میان، موضوع چگونگی تعامل با افراد دارای معلولیت، از برجسته‌ترین موضوعات حوزه فرهنگی-آموزشی است که باید در اولویت‌های برنامه‌های عموم انجمن‌ها، به‌ویژه انجمن‌های آسیب‌دیدگان بینایی قرار بگیرد.

واقعیت این است که متأسفانه نهادهای دولتی، نه از خلاقیت لازم به منظور ورود به چنین حوزه‌هایی برخوردارند و نه انگیزه‌ای برای ورود به موضوعاتی از این دست دارند. در‌این‌میان، انجمن‌های حوزه نابینایان می‌توانند با ورود به این موضوعات و چانه‌زنی و فشار، از نهادهای دولتی بخواهند در برگزاری چنین برنامه‌هایی آنان را یاری کنند. اگرچه اوضاع معیشتی بسیاری از معلولان، مثل عموم جامعه مناسب نیست؛ اما دیگر وقت آن فرا رسیده که مسائل آموزشی-فرهنگی معلولان در اولویت برنامه‌های انجمن‌ها قرار بگیرد و بیش از تهیه سبد کالا و بسته‌های معیشتی، مسائل فرهنگی مورد توجه قرار بگیرد؛ چرا‌که تا زمانی که نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی دربارۀ معلولان تغییر نکند، در بر همین پاشنه خواهد چرخید و همۀ مشکلات باقی خواهند ماند.

مطمئناً انجمن‌ها در ورود به چنین برنامه‌هایی با چالش‌های فراوانی مواجه خواهند شد و همه‌چیز تنها به خواست ایشان بر‌نمی‌گردد. از‌جمله مهمترین مسئله، تأمین مالی این‌گونه برنامه‌هاست. احتمالاً بیشتر انجمن‌های حوزۀ نابینایان قادر به تأمین بودجه به منظور اجرای برنامه‌هایی در این مقیاس نیستند؛ به‌همین‌دلیل آن را از اولویت‌های رده چندم خود نیز حذف نموده‌اند. تردیدی نیست که بیشتر انجمن‌ها با مسائل مالی روبه‌رو هستند؛ اما دیربازده‌بودن موضوعات فرهنگی و نیز قابلیت مانوردهی اندک این امور در مقایسه با توزیع بسته‌های معیشتی، موجب می‌شود مسائل فرهنگی با بالاترین خطر حذف مواجه باشند. ضروری است انجمن‌ها از سویی با تخصیص بودجه به این موضوعات، زیربنای برگزاری چنین اموری را فراهم نمایند.

پایه دیگر برگزاری این‌گونه برنامه‌ها نهادهای دولتی مرتبط هستند. اگر‌چه تخصیص بودجه در حوزۀ آموزشی-فرهنگی در برنامه بیشتر نهادها گنجانده شده؛ اما همان موضوعات پیش‌گفته موجب شده بودجه این بخش‌ها همواره به بخش‌های دیگر اختصاص یابد. از‌سوی‌دیگر تعریفی که در رویکرد جدید از موضوعات فرهنگی ارائه می‌شود، دست‌و‌بال انجمن‌هایی را که اراده‌ای برای چنین کاری دارند بسته و آنها را بیشتر محدود کرده است. از‌همین‌رو باز هم این وظیفه انجمن‌هاست که با ارائه برنامه‌های دقیق و صحیح فرهنگی و اصرار بر اجرای آن، نهادهای دولتی را متقاعد به همکاری نمایند.

به نظر می‌رسد یکی از بهترین راه‌های عبور از مسائل و مشکلات موجود حوزۀ معلولان، سرمایه‌گذاری در زمینه‌های فرهنگی‌آموزشی از سوی انجمن‌ها و فشار به نهادهای دولتی برای همراهی در این زمینه است. ما افراد دارای معلولیت، به‌عنوان ذی‌نفعان مستقیم باید این خواسته را به عنوان مطالبه‌ای پر‌‌اهمیت از انجمن‌ها داشته باشیم و از آنان بخواهیم بیش از پرداختن به موضوعات معیشتی و مادی، به امر آموزش، به‌ویژه آموزش عموم جامعه و فرهنگ‌سازی در حوزۀ معلولیت بپردازند. با چنین برنامه‌ریزی‌ای می‌توان امیدوار بود در سال‌های آتی و با تغییرات نگرشی ایجادشده، بسیاری از مسائل اجتماعی معلولیت از پیش پای افراد معلول برداشته شود.

## **سفر رفتن افراد نابینا و کم‌بینا**

**مسعود طاهریان، کارشناس‌ارشد روانشناسی کودکان استثنایی**

### **ملزومات سفر**

ما که آسیب بینایی داریم، پیش از سفر باید جنبه‌های مختلف سفرمان را بسنجیم و برای اموری مانند وسیله نقلیه، مسیر مناسب، اسکان، کمک‌گرفتن احتمالی از دیگران و تصمیم‌گیری در شرایط اضطراری برنامه‌ریزی کنیم. باید پیش از حرکت، هدفمان از سفر، کار‌های حین مسافرت و مقصد‌هایی که قرار است به آنها برویم را مشخص کنیم. ضرورت این بررسی‌ها وقتی بیشتر احساس می‌شود که بخواهیم با همسر و فرزند به سفر برویم.

می‌توانیم به سایت‌ها و کتاب‌های راهنمای گردشگری و اطلاعات سفر (مانند [لُنلی پِلَنِت](https://www.lonelyplanet.com/)[[11]](#footnote-11)) مراجعه کنیم یا سفر‌نامه‌ها را (مانند نوشته‌های [منصور ضابطیان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D9%85%D9%86%D8%B5%D9%88%D8%B1_%D8%B6%D8%A7%D8%A8%D8%B7%DB%8C%D8%A7%D9%86)) بخوانیم و پادکست‌های مربوط به سفر را (مانند [رادیو ماجرا](https://castbox.fm/va/2620266) و [رادیو دور دنیا](https://castbox.fm/va/3483473)) گوش بدهیم تا جذابیت‌ها و مراکز گردشگری مطابق سلیقه خود را پیدا کنیم و ببینیم دیگران چه تجربه‌هایی در این راستا دارند. همچنین باید با افرادی اهل سفر و گردش ارتباط بگیریم تا شیوۀ سفر و مقصد امتحان‌شده‌ای را انتخاب کنیم و با باشگاه‌ها و انجمن‌های مطمئن‌ برگزار‌کنندۀ تور آشنا بشویم. با کمک آژانس‌ها هم (مانند [لست سکند](https://lastsecond.ir)، [علاءالدین](https://www.alaedin.travel)، [مارکوپولو](https://www.marcopolo.ir)، [اسپیلت البرز](https://spilet.com/)، [دالاهو](https://dalahoo.com)، [آفتاب کلوت](https://kalouttravel.com/)، [الی گشت](https://www.eligasht.com)) می‌توانیم انواع تور مسافرتی را رزرو کنیم.

در کل با در‌نظر‌گرفتن بودجه و توانایی خود در کنار سطح دشواری و ملزومات سفر بعد از بررسی کامنت‌های مسافران قبلی، می‌توانیم همراه گروه‌های برگزار‌کنندۀ تور بشویم که صفر تا صد سفر را برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند. خوب است با مسئولان تور صحبت کنیم و اول سفرهای کوتاه و سبک را همراه با آن تورها امتحان کنیم تا از حمایت و صلاحیت فنی، رعایت اصول اخلاقی و ایمنی، امکانات رفاهی، ضمانت و بیمه، راهنمایی و پذیرش افراد معلول در فضای مسافرت مطمئن شویم.

از سویی دیگر برای کاهش هزینه‌ها، می‌توانیم یک مسافرت شخصی راه بیندازیم و با مقایسه نظرات دیگران، قیمت و امکانات رفاهی، از سایت‌ها (مانند [اقامت ۲۴](https://www.eghamat24.com)، [جاباما](https://www.jabama.com)، [ایران هتل](https://www.iranhotelonline.com)، [اِسنپ تریپ](https://www.snapptrip.com)، [اِربیَنبی](https://www.airbnb.com/)[[12]](#footnote-12)) برای خودمان هتل، متل، مسافرخانه، هاستل و اقامتگاه رزرو کنیم؛ از سامانه‌های حمل‌و‌نقل (مانند [فلای تودی](https://www.flytoday.ir)، [علی‌بابا](https://www.alibaba.ir)، [قاصدک 24](https://ghasedak24.com)) بلیت هواپیما، قطار یا اتوبوس بگیریم؛ در مقصد با کمک تاکسی‌های اینترنتی (مانند [اِسنپ](https://play.google.com/store/apps/details?id=cab.snapp.passenger.play&hl=fa&gl=US)، [تپسی](https://play.google.com/store/apps/details?id=taxi.tapsi.passenger&hl=fa&gl=US)) و خودرو‌های بخش حمل‌و‌نقل اقامتگاه‌ها (مانند هتل) جا‌به‌جا شویم؛ مسیر حرکت و توقف وسایل حمل‌و‌نقل عمومی را (مانند مترو، اتوبوس، تاکسی) از مسئولان اقامتگاه‌ها و افراد بومی پرس‌و‌جو کنیم و با کمک نرم‌افزارهای دسترس‌پذیر مکان‌یاب (مانند [گِت دِ](https://play.google.com/store/apps/details?id=com.gizzada.getthere&hl=fa&gl=US)ر[[13]](#footnote-13)، [دات واکِر](https://play.google.com/store/apps/details?id=cz.lido.dotwalker&hl=fa&gl=US)[[14]](#footnote-14)، [نِیِربای اِکسپِلُرِر](https://cafebazaar.ir/app/org.aph.nearbyonline)[[15]](#footnote-15)، [نشان](https://play.google.com/store/apps/details?id=org.rajman.neshan.traffic.tehran.navigator&hl=fa&gl=US)) به مکان مورد نظر خودمان برویم.

لازم به ذکر است که کارکنان تمام فرودگاه‌ها (مشابه مترو) راهنمایی و همراهی افراد تنهای معلول را جزو وظایف خود می‌دانند و با داشتن کارت معلولیت و مراجعه حضوری به دفاتر فروش [شرکت هواپیمایی ایران ایر (هُما)](https://alltravel.ir/Airlines/iran/IranAir) می‌توانیم برای خود بلیت نیم‌بها تهیه‌کنیم.

### **لذت‌ها و تفریحات در سفر**

با اینکه برای ما آسیب‌دیدگان بینایی جذابیت‌های دیداری (مانند گرفتن عکس و دیدن معماری بناها) در طول سفر لذتی ندارد؛ ولی فعالیت‌ها و تفریحات هیجان‌انگیز زیادی است که می‌توانیم انجام بدهیم و بسیار خوش بگذرانیم. برای مثال در کشور، شهر یا روستای جدید با توجه به سلیقه خود، می‌توانیم با گروه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی (مانند کوچ‌کردن عشایر، رفتن به نمایشگاه، پاک‌سازی طبیعت و محیط زیست) همراه شویم؛ غذاها و خوراکی‌های محلی را بخوریم؛ از طبیعت و آب‌و‌هوای متفاوت (مانند سکوت کویر، خنکی دریا، ساحل ماسه‌ای، نسیم کوهستان، طراوت جنگل) لذت ببریم؛ به بافت‌های محلی و بناهای تاریخی و فرهنگی سر‌بزنیم؛ وسایل نقلیه و تفریحی را (مانند شتر، اسب، درشکه، سورتمه، موتور ‌سه‌چرخ، خودروی ‌دو‌دیفرانسیل، قایق، جت‌اسکی، پاراسل، شاتل، بیگ‌بال) سوار شویم؛ شنا کنیم؛ سوغاتی و صنایع‌دستی بخریم؛ یادگاری (مانند میوه خشک، سنگ، صدف) جمع کنیم؛ به مراکز تفریحی و سرگرمی (مانند شهربازی، پارک، استخر) برویم؛ با صحبت کردن و ارتباط گرفتن با دیگران، دوست پیدا کنیم؛ به تورهای طبیعت‌گردی و گردشگری محلی بپیوندیم؛ مزارع محلی و پوشش گیاهی بومی را لمس کنیم؛ خاطره و سفرنامه بنویسیم؛ مطلب و گزارش برای روزنامه‌ها و مجلات آماده‌کنیم؛ از تجربه‌های خود، پادکست بسازیم و شیوه‌های متفاوتی از سفر را (مانند [کوله‌گردی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%DA%A9%D9%88%D9%84%D9%87%E2%80%8C%DA%AF%D8%B1%D8%AF%DB%8C) یا [رایگان‌سواری](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DA%AF%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%B3%D9%88%D8%A7%D8%B1%DB%8C)) امتحان‌کنیم.

در سفر برای آشنایی با انواع و محل فعالیت‌های تفریحی، می‌توانیم با ساکنان محلی یا افرادی که قبلاً به آن مکان سفر کرده‌اند، صحبت‌کنیم؛ پست‌های اینترنتی معرفی و راهنمای گردشگری آژانس‌های رزرو تور و اقامتگاه یا سامانه‌های فروش بلیت اماکن تفریحی را بخوانیم؛ سری به بخش گردشگری فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های قطار و پایانه‌های کشتی‌رانی و اتوبوس بزنیم و نقشه مراکز تفریحی را بگیریم؛ لیست سوغاتی‌ها و خوراکی‌های محلی و آدرس مراکز تفریحی و گردشگری را (مانند رستوران) در اینترنت جست‌وجو ‌کنیم و از مسئولان بخش گردشگری اقامتگاه‌ها (مانند هتل) کمک بگیریم.

### **دشواری‌های سفر**

ممکن است در هر بخش از سفر با اتفاقات پیش‌بینی‌نشده‌ای مواجه شویم. گم شدن در ایستگاه قطار یا پایانه اتوبوس به علت بزرگی و نبود مسئولی برای راهنمایی؛ تاخیر داشتن یا خراب شدن وسیله نقلیه؛ پیدا‌نکردن اقامتگاه برای سکونت و وسیله نقلیه برای جا‌به‌جایی؛ حامی و همراه نبودن مسئولان تور و همسفران؛ نبود امکانات رفاهی برای خواب و خوراک و استحمام در اقامتگاه و تور؛ دسترس‌پذیر نبودن محیط و وجود موانع خطرناک مانند دره؛ بیمار شدن خود و اعضای خانواده؛ صدمه دیدن در طبیعت مانند سقوط از کوه؛ جا‌ماندن از تور یا وسیله برگشت به خانه؛ عدم پذیرش به علت معلولیت؛ مخالفت برای ورود به مراکز تفریحی مانند استخر؛ محرومیت از سوار شدن به وسایل تفریحی مانند قایق و راهنمایی و آدرس گرفتن اشتباه، بخشی از این سختی‌ها هستند که با برنامه‌ریزی، پرس‌و‌‌جو از افراد مطلع، کمک گرفتن از دیگران و مذاکره و پافشاری کردن کم‌تر می‌شود.

### **مدیریت مسائل مالی در سفر**

برای کم‌تر شدن مشکلات مالی و پرداخت‌های خود می‌توانیم با گروه‌های برگزار‌‌کننده تور همسفر شویم که تمام مدیریت مسائل مسافرت را برعهده می‌گیرند. ولی با فراهم‌شدن امکان پرداخت آنلاین برای هر خریدی حتی گرفتن تاکسی، با گوشی‌همراه هوشمندِ دارای اینترنت همراه و نرم‌افزارهای لازم (مانند تبدیل عکس به متن[[16]](#footnote-16) از طریق درگاه‌های پرداخت آنلاین)، اپلیکیشن‌های پرداخت (مانند [آپ](https://play.google.com/store/apps/details?id=com.sibche.aspardproject.app&hl=fa&gl=US)، [تاپ](https://play.google.com/store/apps/details?id=ir.tgbs.peccharge&hl=fa&gl=US)، [724](https://play.google.com/store/apps/details?id=ir.sep.sesoot&hl=fa&gl=US)) و همراه‌بانک‌های دسترس‌پذیر (مانند [ملی](https://cafebazaar.ir/app/ir.bmi.bam.nativeweb)، [پارسیان](https://cafebazaar.ir/app/com.parsmobapp/)، [ملت](https://cafebazaar.ir/app/com.pmb.mobile)) می‌توانیم هزینه‌هایمان را پرداخت‌کنیم و با افزونه‌های کمکی (مانند [آنتی- کپچا[[17]](#footnote-17)) و](https://captcha.ltffb.ir)  رمز پویا مشکل خواندن کدهای امنیتی تصویری را حل کنیم. همچنین در فروشگاه‌ها می‌توانیم به فروشندگان اجازه دهیم به‌جای ما کارت بانکی‌مان را بکشند و با بررسی پیامک‌هایمان، از درستی پرداخت مطمئن شویم. اگر هم نیاز به پول نقد داریم، می‌توانیم یک کارت بانکی دیگری با موجودی محدود همراه داشته ‌باشیم و از یک فرد بخواهیم از عابربانک برایمان پول بگیرد یا اینکه از فروشندگان بعد از یک خرید، بخواهیم بیشتر کارت بکشند و مابقی پول را نقد به ما پس بدهند. برای تشخیص پول‌ها هم می‌توانیم از دیگران کمک‌بگیریم یا از نرم‌افزار‌های تشخیص پول (مانند [کَش ریدِر](https://play.google.com/store/apps/details?id=com.martindoudera.cashreader&hl=fa&gl=US)[[18]](#footnote-18)) استفاده‌کنیم و بعد آنها را جداگانه در بخش‌های مختلف کیفمان بگذاریم.

### **کمک گرفتن در سفر**

برای رفع نیازهای خود در مسافرت اول باید خجالت و رودربایستی را کنار بگذاریم و سؤالات خود را در هر زمینه، از دیگران بپرسیم و از آنها در هنگام ضرورت (مثلاً برای پیدا کردن آدرس یا گرفتن پول نقد) کمک بگیریم. مهم‌ترین کار در سفر، صحبت‌کردن و برقراری ارتباط با دیگران و پیدا کردن دوست است. می‌توانیم از افرادی که در طول سفر (برای مثال در قطار) با آنها آشنا و همسفر شده‌ایم، کمک بگیریم؛ از مسئولان مراکز تفریحی و تاریخی بخواهیم که راهنمایی‌مان کنند؛ سوالاتمان را از مسئولان تورها و اقامتگاه‌ها، نیروهای پلیس، کسبه محلی و ساکنان بومی بپرسیم؛ با ثبت‌نام در [سامانه‌های دوست‌یابی و سایت‌های مسافرتی مهمان‌نوازی](https://www.theguardian.com/travel/2008/jun/27/travelwebsites.top10https:/www.theguardian.com/travel/2008/jun/27/travelwebsites.top10) (مانند [کُچسِرفینگ](https://www.couchsurfing.com)[[19]](#footnote-19)، [دِ هاسپیتالیتی کِلاب](http://rules.hospitalityclub.org)[[20]](#footnote-20)) همراه و دوست پیدا‌کنیم؛ همچنین با اعضای خانواده و دوستان همراه خود همسفر شویم یا با تماس تصویری، از کمک آنلاین آنها استفاده کنیم.

### **سخن آخر**

سفر رفتن مثل چیدنِ خانه، سلیقه‌ای و فردی است؛ پس باید شیوۀ سفرمان را خودمان پیدا‌کنیم؛ از ناشناخته‌ها و سختی‌ها نترسیم و به خارج شدن از روند معمول زندگی و فرصت انجام اولین‌ها در هر سفر فکر کنیم؛ از حال لذت ببریم و دغدغه‌های روزمره را حداقل چند روز کنار ‌بگذاریم و اجازه‌ دهیم از حس آرامش، آسایش و کنجکاوی لبریز شویم.

علاوه‌بر‌این، باید در سفر وسایلمان را (مانند چمدان و کفش) نشانه‌گذاری کنیم و رنگ و مشخصاتشان را به‌خاطر‌ بسپاریم تا بتوانیم آنها را پیدا کنیم؛ همیشه عصای سفید همراهمان باشد و خودمان را به عنوان فردی با آسیب بینایی معرفی کنیم؛ در انتخاب نوع سفر (مانند کوهنوردی)، به توانایی‌های خودمان توجه کنیم و وسایل لازم را در کنار داروهای اولیه (مانند آنتی بیوتیک، مسکن، ضد استفراغ و اسهال) و مدارک شناسایی و بیمه برداریم.

از میان صدا‌هایی که در پاسخ به ششمین فراخوان محک تجربه ارسال‌کردید، پیام جناب‌آقای امیر‌حسین اسحاق‌نیا برگزیده شد و یادگاری نسل مانا را دریافت‌کرد. صحبت‌های ایشان زیر این مقاله در وب‌سایت نسل مانا آمده ‌است. همچنین دربارۀ موضوعات بالا با دو تن از نابینایان مجرب گفت‌وگو شده ‌است که انتهای این نوشته می‌توانید به فایل صوتی آن هم گوش ‌بدهید.

## **چگونه از ارتباطات غیرکلامی و زبان بدن استفاده کنیم**

**امین عرب: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی فارس**

### **مقدمه**

افراد با آسیب بینایی در ارتباطات بین‌فردی بیشتر به جنبۀ کلامی روابط توجه دارند و بر آن متمرکزند. وجود آسیب در حس بینایی گاهی منجر می‌شود که افراد نسبت به شیوه‌های غیرکلامی ارتباط و زبان بدن کم‌توجهی نشان دهند و آنچنان که شایسته است، در پی استفاده از آن نباشند. حتی آن دسته از افراد با آسیب بینایی که بر اهمیت ارتباطات غیرکلامی واقفند، برای یادگیری و چگونگی استفاده از آن با چالش مواجه‌اند. در این مطلب نخست از اهمیت ارتباطات غیر‌کلامی سخن خواهیم گفت و در ادامه تکنیک‌هایی را برای به‌کار‌گیری این شیوه در موقعیت‌های گوناگون به افراد با آسیب بینایی پیشنهاد خواهیم کرد.

### **اهمیت ارتباطات غیرکلامی**

فرض کنید به شخصی که با او در ارتباط هستید علاقه‌مند شده‌اید. در‌این‌صورت شما در هنگام گفت‌و‌گو سعی می‌کنید با ارائه بازخورد شفاهی نشان دهید که از آنچه او می‌گوید خوشتان آمده است؛ اما اگر در هنگام صحبت به‌جای دیگری نگاه کنید یا از وی فاصله بگیرید، او چه فکر خواهد کرد؟ حتی اگر ارتباط کلامی شما جذاب باشد، او احتمالاً تصور می‌کند که شما خسته شده‌اید یا به شکل دیگری مشغول هستید. در این موقعیت شما یک پیام کاملاً نادرست را به طرف مقابل منتقل کرده‌اید.

این موقعیت و موقعیت‌های مشابه که هر‌روز با آنها مواجهیم، حاکی از اهمیت یادگیری چگونگی استفاده از زبان بدن و به‌طور کلی شیوۀ ارتباط غیر‌کلامی برای افراد با آسیب بینایی است. در این نوشته توضیح می‌دهم که چگونه می‌توانید از طریق زبان بدنتان به آنچه دیگران می‌گویند واکنش نشان دهید.

رسیدن به مقصد فقط اولین قدم است. اینکه بعد از رسیدن به مقصد چگونه خود را نشان دهیم، به همان اندازه اهمیت دارد.

### **حقایقی در خصوص ارتباطات انسانی**

1-هشتاد درصد تعاملات اجتماعی با ارتباطات غیرکلامی شروع می‌شوند؛

2- پنجاه و پنج درصد از پیام منتقل‌شده تماس چشمی، وضعیت بدن و حالت سر است؛

3- سی و هشت درصد از آن دامنه و بسامد صداست؛

4- تنها هفت درصد از آن به کلمات به‌کار‌رفته بر‌می‌گردد.

### **تماس چشمی، موقعیت بدن و فضا**

1- تماس چشمی زمانی رخ می‌دهد که شما به معنای واقعی به چهره‌ یکدیگر نگاه کنید. یعنی صورت شما رو‌به‌روی صورت فرد مقابل باشد؛

2- صدای فرد مقابل را دنبال کنید و سرتان را رو به او بچرخانید؛

3- فضای بدن به‌طور‌کلی بیضی یا تخم‌مرغی‌شکل است. فاصله قابل‌قبول بین دو نفر هنگام ایستادن رو‌به‌روی یکدیگر، به اندازه طول شانه تا نوک انگشتان؛ هنگام ایستادن پشت دیگری در صف، به اندازه نصف آن و هنگام ایستادن کنار افراد به اندازه آرنج تا نوک انگشتان است. البته این موضوع در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند متفاوت باشد؛

4- فرد کم‌بینا ممکن است ترجیح بدهد به‌جای رو‌در‌رو، در زاویه ۹۰ درجه فرد مقابل خود قرار گیرد؛ زیرا ممکن است احساس کند نزدیک شدن به فرد بینا برای شناسایی وی می‌تواند باعث معذب شدن او گردد. این زاویه فرد کم‌بینا را نیم قدم به طرف مقابل خود نزدیکتر می‌کند، بی‌آنکه به شکل نا‌خوش‌آیندی رو‌در‌رو شوند.

### **دست دادن**

در هنگام برخورد با افراد هم‌سن یا کم‌سال‌تر از خودتان، شما در دست دادن پیشقدم شوید. با افراد صمیمی محکمتر از افرادی دست بدهید که ارتباطتان رسمی است؛ اما با هیچکس شل دست ندهید. اگر با فردی که از نظر سن یا جایگاه اجتماعی از شما بالاتر است مواجهید، اجازه دهید او برای دست دادن پیشقدم شود و دستتان را در موقعیتی قرار دهید که اگر مایل باشد بتواند با شما دست دهد.

### **ژست‌ها**

1- افزودن حرکات بدن به یک عبارت کلامی، منظور شما را بهتر می‌رساند؛

2- ژست‌ها می‌توانند از یک لبخند ساده تا حالت و حرکات کل بدن را در بر بگیرند؛

3- برای یادگیری ژست‌های مناسب هر موقعیت، می‌توانید از دوستان و خانواده خود کمک بگیرید؛

4- دو حرکت رایج برای پاسخ به دیگران، بالا بردن سر به معنای خیر و پایین آوردن سر به معنای بله است؛

5- اگر ژستی را تازه یاد گرفته‌اید، در حضور افراد نزدیک آن را انجام دهید تا در طبیعی‌تر شدن آن حرکت به شما کمک کنند.

### **سراپا گوش بودن**

شما می‌خواهید پیام‌های غیرکلامی‌تان، پیام‌های کلامی را تأیید و تقویت کنند. برای مثال اگر بگویید «شما آدم جذابی هستید»، می‌توانید این جمله را با نشان دادن علاقه خود به روش‌های غیرکلامی تأیید کنید. به‌کار‌گیری شیوه غیر‌کلامی به فرد مقابل نشان می‌دهد که شما سراپا گوشید. این حالت را می‌توانید با حرکاتی که در ادامه می‌آید نشان دهید.

^ سر: سر شما باید کاملاً صاف و عمودی و رو به طرف مقابل باشد و می‌توانید گهگاه به نشانه موافقت سر تکان دهید.

\* چشم: اگر می‌توانید، مستقیماً به چشم طرف مقابلتان نگاه کنید؛ اگر بینایی شما این امکان را نمی‌دهد، صورتتان را به سمت مخاطب بگیرید. برای اینکه تماس چشمی بیش‌از‌اندازه نباشد، گهگاه به اطراف نگاه بیندازید.

\* دهان: اگر مکالمه مثبت، غیر‌رسمی و دوستانه است، لبخند را فراموش نکنید. یک لبخند واقعی، گرم و صمیمانه است. برای زیباتر شدن لبخند، مسواک زدن و کشیدن نخ دندان بعد از هر وعدۀ غذایی می‌تواند مفید باشد.

\* شانه‌ها: حالت شانه نشانگر هوشیاری و اعتماد‌به‌نفس شماست؛ پس شانه‌های خود را صاف نگه دارید.

\* بازو‌ها: برای اینکه خودتان را راحت و با اعتماد‌به‌نفس نشان دهید، بازو‌ها را کنار بدن قرار دهید و از ضربدری گذاشتن آنها روی شکم خودداری کنید.

\* دستان: مردم معمولاً در هنگام صحبت کردن از دستانشان استفاده می‌کنند. هدف تأکید بر کلمات مهم بدون فاصله گرفتن از ارتباط کلامی است. حرکات مکرر دست باعث حواس‌پرتی مخاطبان می‌شود.

\* پا‌ها: حداقل به اندازه یک بازو یا عرض شانه از گوینده یا مخاطب فاصله بگیرید. دو نفر در مکالمه به‌ندرت رو‌به‌روی یکدیگر قرار می‌گیرند و معمولاً نسبت به هم زاویه دارند. وقتی پا‌هایتان را در زاویه ۴۵ درجه نسبت به گوینده یا مخاطب قرار دهید، می‌تواند به علاقه تعبیر شود؛ اما اگر پا‌هایتان را با زاویه‌ای دور از طرف مقابل قرار دهید، چنین تعبیر می‌شود که می‌خواهید از او دور شوید.

### **زبان بدن هنگام سخنرانی**

ممکن است بخواهید برای تعدادی مخاطب (روی سن یا داخل کلاس) صحبت کنید. برای جلب توجه مخاطب بسیار اهمیت دارد که بتوانید از زبان بدن به شیوه‌ای کار‌آمد استفاده کنید. در ادامه پیشنهاد‌هایی برای عملکرد بهتر شما در این موقعیت آمده است.

\* تا جای ممکن با مخاطبان خود ارتباط چشمی برقرار کنید. سرتان را به سمت آنها بگیرید و گهگاه آن را به سوی مخاطبان دیگر بچرخانید؛

\* اگر روی سن هستید، زیاد قدم نزنید؛ اما در فضای کلاس بهتر است برای مدت طولانی در یک نقطه نمانید؛

\* به‌جای توجه به یادداشت‌ها یا اسلاید‌ها، بیشتر بر مخاطبان خود متمرکز باشید؛

\* حالت ایستادن شما تأثیر زیادی بر مخاطبان دارد. پس سعی کنید زیادی خشک یا شل نایستید؛

\* پا‌هایتان را در کنار هم محکم روی زمین قرار دهید. وزن خود را به یک اندازه روی دو پا تقسیم کنید و از روی هم انداختن پا‌ها بپرهیزید؛

\* از حرکت دستانتان برای تأکید استفاده کنید و در حالت سکون، آنها را کنار بدن قرار دهید. از قفل کردن دستان در هم یا گذاشتن آنها روی سینه خودداری کنید؛

\* بهتر است به‌جای ایستادن پشت میز یا تریبون، در فضایی باز بایستید؛

\* با مخاطبان خود در تعامل باشید.

### **سخن آخر**

یادگیری استفاده از زبان بدن یکی از خلأ‌های آموزشی افراد با آسیب بینایی به شمار می‌رود. به‌کار‌گیری این نوع از ارتباط می‌تواند کیفیت روابط شما را بالا ببرد؛ اما اگر حرکات بدنی شما غیر‌طبیعی باشند، نتیجه معکوس خواهد بود. با توجه به اینکه یادگیری از طریق تقلید برای افراد با آسیب بینایی ممکن نیست، گرفتن بازخورد از دیگران پیش از استفاده از حرکات آموخته‌شده نباید فراموش شود. در شماره بعدی این ستون، از حرکات کلیشه‌ای در افراد با آسیب بینایی و چگونگی کنترل آن سخن خواهیم گفت.

### **منابع**

[سمیناری در وبسایت مرکز ایالتی منابع برای افراد با آسیب بینایی](https://prcvi.org/media/1107/effective-nonverbal-communication.pdf)

[وبسایت Family Connect زیر‌مجموعه چاپخانه نابینایان آمریکا (APH)](https://familyconnect.org/browse-by-age/grade-schoolers/transition-to-independence-grade-schoolers/nonverbal-communication/)

## **بریل و گرافیک لمسی در سی‌اس‌یو‌ان ۲۰۲۲**

**میثم امینی: مترجم انگلیسی**

### **نمایشگرهای گرافیک لمسی**

در سالن نمایشگاه سی‌‌اس‌‌یو‌ان امسال، چندین دستگاه گرافیک لمسی جدید ارائه شده بود. نمونه اولیه [دات‌پَد](https://www.dotincorp.com/) از شرکت دات کُرپورِیشِن دو سال پیش نمایش‌داده‌شده بود. امسال نسخه بسیار بهبودیافته‌ای از آن در نمایشگاه مشاهده شد. کیفیت نمایش بریل در این دستگاه که در آن واحد ۲۴۰۰ نقطه بریل را نمایش می‌داد، بسیار مطلوب بود. این دستگاه می‌تواند متن و گرافیک را نمایش دهد و قادر است از طریق بلوتوث یا یو‌اِس‌بی-سی به وسایل دیگر متصل شود. این نمایشگر بریل دارای دکمه‌های حرکتی و چهار دکمه دیگر است که می‌تواند از طریق برنامه پیکربندی شود. شرکت ۴بِلایند یک نمایشگر گرافیکی لمسی دیگر به نام [پَد بریل](https://4blind.com/solutions-en/braille_pad_en) را به نمایش گذاشته بود که از نظر اندازه و فاصله بین نقطه‌ها مشابه دات‌پد است. این دستگاه که هنوز مراحل توسعه را می‌گذراند، به یک دوربین هم مجهز است. این دستگاه ۱۸۵۰ نقطه در یک شبکه 50 در 37 نقطه‌ای دارد و برای نمایش گرافیک و بریل طراحی شده است. پس از گرفتن عکس، نرم‌افزار روی دستگاه می‌تواند تصویر را همان‌طور که دریافت کرده‌اید نمایش دهد یا برای درک لمسی راحت‌تر، عکس را به یک تصویر کلی و بدون جزئیات تبدیل کند. این نمایشگر می‌تواند از طریق بلوتوث یا یو‌اس‌بی به وسایل دیگر متصل شود.

یکی دیگر از نمایشگرهای گرافیکی لمسی که از طرف اِی‌پی‌اِچ به‌ نمایش در آمده بود، [داینامیک تَکتایل دیوایس (دی‌تی‌دی)](https://www.aph.org/aph-is-ready-for-a-braille-revolution/) است که مراحل نهایی طراحی را پشت‌سر می‌گذراند و منتظر نتایج آزمایش‌های نهایی و تأیید مقامات مربوط در آمریکاست. ای‌پی‌اچ با هیومَنوِر برای نرم‌افزار و دات‌کرپوریشن برای خانه‌های بریل همکاری می‌کند تا تبلتی بسازد که بتواند هم بریل و هم گرافیک را به‌طور هم‌زمان نمایش دهد. چنین ابزاری به یک دانش‌آموز یا دانشجو این امکان را می‌دهد که یک کتاب درسی را به بریل بخواند و هرجا که با تصاویر مواجه می‌شود، شکل برجسته‌ای از آنها را لمس کند. مدل نمایش‌داده‌شده دارای 10 خط 32 خانه‌ای است و کل صفحه‌نمایش را می‌توان در ۲٫۵ ثانیه به‌روز کرد.

شرکت اوربیت ریسِرچ نمایشگر گرافیکی لمسی-تعاملی [گِرافیتی و گرافیتی پِلاس](https://www.orbitresearch.com/graphiti/) را به نمایش گذاشته بود. نمایشگر گرافیتی اصلی در مارس ۲۰۲۰ عرضه شد. گرافیتی‌پلاس همان نمایشگر گرافیتی است که برجسته‌نگار بریل 40خانه‌ای اوربیت‌ریدِر به آن اضافه ‌شده و اکنون در دسترس است. گرافیتی می‌تواند به هر رایانه یا دستگاه تلفن همراهی متصل شود. ابعاد آن حدود ۲۹ در ۲۷ در ۴ سانتیمتر است و دارای ۲۴۰۰ نقطه است که در یک شبکه ۴۰ در ۶۰ نقطه‌ای مرتب شده‌اند. این نمایشگر دارای قابلیت تنظیم مستقل هر سوزن در ارتفاع‌های مختلف است که امکان نمایش نقشه‌های توپوگرافی و سایر عناصر گرافیکی مانند سایه‌های خاکستری و رنگ که به‌صورت ارتفاع‌های مختلف سوزن‌ها نشان داده می‌شود را فراهم می‌کند. گرافیتی همچنین دارای یک رابط لمسی است که به کاربر این امکان را می‌دهد تا روی صفحه‌نمایش «نقاشی» کند. گرافیتی دارای یک صفحه‌کلید بریل هشت‌کلیدی به سبک ماشین‌های پرکینز برای واردکردن متن بریل، یک پد مکان‌نما برای پیمایش، یک پورت میزبان یو‌اس‌بی استاندارد و یک جای حافظه اِس‌دی برای بارگیری پرونده‌ها جهت خواندن و ویرایش در حالت مستقل است.

### **آموزش خط بریل**

در زمینه آموزش خط بریل، ای‌پی‌اچ دستگاه جدیدی به نام [پالی](https://www.aph.org/polly-wait-list/) را به نمایش گذاشت. آزمایشگاه تینکِربِل در هند آن را تولید کرده و با نام اَنی در سطح جهانی عرضه می‌کند.

پالی یک وسیله آموزشی برای کودکان خردسال است که تمریناتی برای خواندن و نوشتن و تعداد زیادی بازی تعاملی با استفاده از یک یا چند نوع از چهار نوع تعامل بریل دارد. این دستگاه دو خانه درشت بریل دارد که کاربر می‌تواند نقاط آنها را بالا یا پایین بیاورد. شش خانه که بریل را مانند یک نمایش‌گر معمولی بریل نشان می‌دهد، شش خانه که مثل یک لوح و قلم الکترونیکی عمل می‌کند و یک صفحه‌کلید ورودی بریل، از دیگر اجزای دستگاه است. در طراحی بازی‌ها از ترکیب‌های گوناگونی از روش‌های تعاملی بریل استفاده می‌شود و آموزگار می‌تواند از راه دور با دستگاه تعامل داشته باشد.

یکی دیگر از دستگاه‌های بریل که با هدف استفاده در امر آموزش طراحی شده، [بانوکِل](https://www.bonocle.co/en/) بود. این دستگاه شبیه یک ماوس رایانه با یک برجسته‌نگار تک‌خانه‌ای است که پنج دکمه کنترل و دو دکمه سیستمی دارد. برنامه بانوکل روی آی‌اُو‌اِس یا اندروید اجرا می‌شود. ده‌ها فعالیت آموزشی و سرگرمی از جمله یادگیری الفبا، جدول کلمات متقاطع، عناصری برای آموزش جدول تناوبی، متن‌خوان با قابلیت خواندن متون پی‌دی‌اف، چک‌لیست، دفترچه یادداشت، شمارنده، صفحه‌گسترده برای پیمایش در خانه‌های گوگل شیتس یا اِکسِل، اندازه‌گیری و حتی بازی وُردِل، از جمله امکاناتی است که در این مجموعه گنجانده شده است.

### **صفحه‌کلید**

دو صفحه‌کلید جدید که مشخصاً برای کاربران نابینا ساخته شده، امسال در سالن نمایشگاه به‌نمایش‌درآمده بود.

[هِیبِل وان](https://www.iamhable.com/) یک صفحه‌کلید جدید از شرکت هیبل در هلند است. این محصول یک صفحه‌کلید بلوتوثی بسیار کوچک برای واردکردن بریل در تلفن هوشمند یا رایانه است. وزن آن حدود ۸۵ گرم است؛ حدود ۱۰ سانتیمتر طول، ۴ سانتیمتر عرض و ۱ سانتیمتر ضخامت دارد و عمر باتری آن تقریباً 50 ساعت است. این دستگاه از تلفن‌های همراه و تبلت‌های آی‌او‌اس و اندروید و همچنین تایپ در رایانه‌های ویندوز و مَک‌اُو‌اِس پشتیبانی می‌کند. این صفحه‌کلید بیش از 10 زبان از جمله انگلیسی، هلندی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیایی و هندی را پشتیبانی می‌کند. مهم‌ترین ویژگی هیبل وان این است که برای نگه‌داشتن بین دو دست و استفاده به‌صورت عمودی طراحی شده است. نیازی به گذاشتن آن بر روی میز نیست که همین هم نوشتن در حال حرکت را ممکن می‌کند. برای کسانی که از ورودی بریل با صفحه لمسی استفاده کرده‌اند، تجربه بسیار شبیه به واردکردن بریل در حالتی است که صفحه‌نمایش دستگاه در جهت مخالف کاربر قرار دارد؛ با این تفاوت که روی کلیدهای فیزیکی تایپ می‌کنید.

[کووِرتی‌کِیس](https://www.qwertycase.com/) یک صفحه‌کلید بی‌سیم از شرکت دی‌آی اِلِکتِرونیکس در کره است. این دستگاه یک صفحه‌کلید بلوتوثی است که می‌تواند برای واردکردن متن از طریق صفحه‌کلید به سبک کیو‌دَبِلیو‌ای‌آر‌تی‌وای یا بریل استفاده شود. می‌توان از آن با دستگاه‌های آی‌او‌اس یا اندروید استفاده کرد. وزن آن حدود ۸۵ گرم است. این صفحه‌کلید مستطیل‌شکل است و حدود ۱۵ سانتیمتر طول، ۷ سانتیمتر عرض و ۱ سانتیمتر ضخامت دارد. می‌توان آن را با چسباندن یک صفحه فولادی نازک با پشت چسبنده، به گوشی وصل کرد؛ یا با قاب گوشی به‌صورت مغناطیسی به پشت تلفن هوشمند متصل کرد. مانند هیبل وان، این صفحه‌کلید برای استفاده با دو دست روبه‌روی هم طراحی شده است. کلیدهای کیو‌دبلیو‌ای‌آر‌تی‌وای در شش ردیف پنج‌کلیدی مرتب شده‌اند. کلیدهای دی و اِف دارای علائم لمسی هستند؛ بنابراین تایپ با این صفحه‌کلید به روش استاندارد صورت می‌گیرد. البته می‌توان کوورتی‌کیس را روی حالت بریل تنظیم کرد که در‌این‌صورت کلیدهای اِس، دی، اف و جِی، کِی، و اِل به کلیدهای ورودی بریل تبدیل می‌شوند.

## **نان صحنه هنرمندی: :گفت‌و‌گوی نسل مانا با محسن محمد‌قلی: صحنه‌گردان نابینا**

**میرهادی نایینی‌زاده: دانشجوی دکتری پژوهش‌های قرآنی**

محسن محمد‌قلی: صحنه گردان، گوینده، و شاغل در مرکز نو‌آوری و روابط عمومی شرکت فیروز

«از چه زمانی روی صحنه هستی و چه مراسم‌هایی را اداره می‌کنی؟»

«از زمانی که در کلاس سوم و چهارم دبستان بودم، به صورت پراکنده برنامه اجرا می‌کردم و این روند تا امروز هم ادامه داشته است. فعالیت‌های من حول محور اجرای موسیقی، مجری‌گری، برگزاری مراسم مذهبی، و در مواردی نیز اجرای استند‌آپ کمدی بوده است.»

«اولین باری که از راه صحنه‌گردانی درآمدی کسب کردی، کی بود؟»

« در یکی از برنامه های شبکه ۵ تلوزیون و در قالب خواننده یک گروه موسیقی نابینایان بود. در آن زمان، من کلاس چهارم دبستان بودم. اما اولین بار که از این راه کسب درآمد کردم، حضور در برنامه جشن رمضان با مهرداد کاظمی و محمد اصفهانی بود. این حضور باعث شد به مراسم مختلف دعوت شوم و از من خواسته می‌شد آهنگ‌های محمد اصفهانی را اجرا کنم. البته همین‌جا باید تأکید کنم: این کار برای من درآمد بالایی نداشته است.»

«چه افرادی با چه استعداد‌هایی می‌توانند در این کار موفق باشند؟»

«طبعاً هر کسی می‌تواند با داشتن لوازمی در این کار توفیق داشته باشد. من به‌عنوان کسی که بیشتر فعالیتم حول‌و‌حوش صدا و موسیقی است، می‌توانم بگویم: کسی که وارد عرصه صحنه‌گردانی می‌شود، باید پایه‌های موسیقی را در حد خوبی بداند، چند‌و چون محل برگزاری مراسم خود را جویا شود، و حتما با صدا‌بردار خود و کیفیت کار او آشنا باشد. از نظر من لازم است: یک نفر به‌عنوان همراه یا رابط با یک صحنه‌گردان نابینا همراه باشد و برخی مسائل را برای او تسهیل کند.»

«بیشتر در باره این مسائل برای ما صحبت کن.»

«اشراف کامل به صحنه از لوازم یک اجرای صحیح است. به‌عنوان مثال: وقتی شما عهده‌دار نوازندگی صحنه هستید، فقط یک رابط یا یک همراه می‌تواند لحظه حضور یا خروج مجری یا میهمان برنامه را به شما اطلاع دهد.»

«چه تفاوت‌هایی میان کار یک صحنه‌گردان نابینا و سایر همکاران او وجود دارد؟»

«همانطور که در پاسخ پرسش پیش گفتم، عدم اشراف دقیق نابینایان بر صحنه یکی از بزرگ‌ترین تفاوت‌ها یا معضلات کار ما به حساب می‌آید. این عدم اشراف مخصوصاً وقتی نمود بیشتری پیدا می‌کند که صحنه‌گردان نابینا برای اولین بار روی صحنه خاصی حاضر می‌شود. من به همه کسانی که می‌خواهند در این عرصه وارد شوند توصیه می‌کنم برای شناخت بیشتر خود از محیط صحنه، پیش از برنامه در محل اجرا حاضر شوند، با مهارت‌های جهت‌یابی خود صحنه را رصد کنند، و تا جایی که امکان دارد تلاش در برقراری درست رابطه با مخاطب خود داشته باشند.

از دیگر تفاوت‌هایی که میان ما و سایرین به چشم می‌آید این است که ما خیلی در تشخیص زبان بدن مخاطبانمان توانایی نداریم. این در شرایطی است که یک صحنه‌گردان بینا با کوچک‌ترین اشاره مخاطب می‌تواند به بهترین شکل ممکن صحنه را مدیریت کند.»

«چه مسائل و موضوعاتی برای یک صحنه‌گردان نابینا پیش از اجرا یا برای اجرای اول در یک صحنه می‌تواند حائز اهمیت باشد؟»

«از دید من، مهم‌ترین اصلی که باید همه افراد و در وحله بعد صحنه‌گردانان نابینا مد نظر داشته باشند، تمرین فراوان و آمادگی لازم برای مسائل غیر قابل پیشبینی است. شما ممکن است روی صحنه با موردی مثل خراب شدن میکروفون یا از تنظیم خارج شدن دستگاه مواجه شوید که باید برای آن آماده باشید. همچنین ما نابینایان محکوم به نشان دادن توانایی‌های خود هستیم. از این رو همواره باید بتوانیم با تمرین زیاد تفاوت‌هایی که در پرسش پیش مطرح کردم را کم‌رنگ کنیم.»

«چه فرق‌هایی میان کار اجرای فردی و اجرای گروهی می‌توان ذکر کرد؟»

«این دو کار، دو مقوله متفاوت هستند؛ وقتی شما عضو یک گروه اجرا هستید، وظیفه شما تمرین و تبعیت از مدیر گروه است و وظایفی که پیش‌تر درباره صحنه متذکر شدم همه بر عهده مدیر گروه شماست.»

«تا‌به‌حال درباره اجرای موسیقی با هم صحبت کردیم. لطفاً قدری در‌باره تفاوت‌هایی که اجرای استند‌آپ کمدی برای ما نابینایان ایجاد می‌کند صحبت کن.»

«با توجه به بصری شدن بیشتر مواردی که یک نفر در اجرای خود از آن بهره می‌گیرد و طرز استفاده از زبان بدن برای خنداندن بیشتر مخاطب در عصر حاضر، به نظر می‌رسد کار کمدی برای ما نابینایان قدری دشوار شده است. عصر حاضر با دهه شصت متفاوت است و کمتر کار‌هایی مثل تقلید صدا یا تعریف لطیفه مورد استقبال قرار می‌گیرد. روی هم رفته می‌توانم بگویم: من فقط برای افراد نابینا چنین برنامه‌هایی را روی صحنه می‌برم؛ اما اگر کسی می‌خواهد همچنان در این عرصه نیز مشغول باشد، باید روی دیالوگ‌های خود کار کند و البته هر جایی به اجرا نپردازد.»

«در‌باره موضوعاتی که باید برای اجرای مراسم مذهبی مد نظر داشت هم برای مخاطبین ما صحبت کن:»

«مانند بحثی که پیشتر کردم، اشراف شما به محیط و مخاطبین بسیار مهم است. شما باید بدانید در چه محیطی مداحی می‌کنید و مخاطب شما چه واکنشی به کار شما نشان می‌دهد. همچنین برای گرداندن سینه‌زنی باید حتماً به‌نحوی با میان‌داران هیئت یا لا‌اقل یکی از آنها هماهنگی کامل داشته باشید.

ذکر این نکته در برنامه‌های مذهبی فوق‌العاده مهم است که: نابینا نباید به ابزاری برای مسائل برخی از افراد تبدیل شود. باید این فرهنگ‌سازی همواره وجود داشته باشد که نابینا، هیچ تفاوتی با سایر افراد ندارد و او هم مانند بقیه از خطا و گناه مصون نیست. نباید برای اینکه یک مجلس گل کند؛ تصوراتی از قبیل شفا دادن یا گرفتن نابینا در هیئت مطرح شود و از او به این وسیله استفاده ابزاری شود.»

«چه راه‌هایی برای دیده شدن بچه ها برای قبول کار صحنه وجود دارد؟»

«اکنون که شبکه های اجتماعی نفوذ خوبی در بین افراد پیدا کرده اند، فرصت ارزشمندی ایجاد شده است تا توانایی افراد نابینای خلاق بیشتر دیده شود. اما نمی‌توانم به مقوله اقبال در دیده شدن افراد مختلف بی‌توجه باشم. همچنین ندیدن، در کار صحنه‌گردانی هم مانعی برای برخی اذهان ایجاد کرده است که متأسفانه توانایی نابینایان را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه: برخی افراد ندیدن را مانعی جدی برای مجری بودن افراد نابینا می‌دانند و تأکید دارند که: در مواقع لزوم چطور باید با مخاطب ارتباط برقرار شود؟ البته من با برخی از این افراد گفت‌و‌گو کردم و تا حدی در اقناع آنها کوشیدم.»

«در‌باره شکل درآمد‌زایی این کار صحبت کن.»

«مهم‌ترین چیزی که باید به آن اشاره کنم این است که: صحنه‌گردانی یک شغل مقطعی است و همیشه معلوم نیست بتوان از این راه امرار معاش کرد. کرونا آسیب زیادی به کسانی زد که از این راه کسب درآمد می‌کردند. بنا‌بر‌این من به همه دوستان توصیه می‌کنم علاوه بر این کار به دنبال یک پلن بی هم برای خود باشند تا در مواقع لزوم دچار بی‌درآمدی نشوند. بسیار پیش می‌آید به خاطر نابینایی کوشش می‌کنند که مبلغ کمتری به من پرداخت شود. به‌همین‌دلیل من پیش از پذیرش کار مقداری که حق خود می‌دانم را از کار‌فرما مطالبه می‌کنم و از همه دوستان هم می‌خواهم اجازه ندهند به‌خاطر نابینایی حق هنر آنها ضایع شود و هزینه‌ای که باید را دریافت نکنند.»

«از این که در این گفت‌و‌گو شرکت کردی از تو ممنونم.»

شما می‌ةوانید مشروح این گفتگو را در قالب یک فایل صوتی، ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا بشنوید.

## **تازه‌های کتاب صوتی**

**رقیه شفیعی: کارشناس بخش نابینایان نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور**

در این شماره نیز همراه شماییم با معرفی تعدادی از کتاب‌هایی که در موضوعاتی چون تاریخ، سرگذشت، رمان، روانشناسی و... برای استفاده افراد با آسیب بینایی به زیور صوت آراسته شده‌ است.

* «از فرانکفورت تا رقه؛ گفت‌و‌گو با اعضای داعش» نوشتۀ هادی معصومی ‌زارع را نشر خط مقدم در سال 1399 در 412 صفحه به چاپ رسانده است.

این کتاب خروجی سومین گام نویسنده در راستای کسب دریافت‌ها و داده‌های قابل اتکا در شناخت نیمۀ پنهان جهادگرایی سلفی در عراق و منطقه است؛ مجموعه‌مصاحبه‌ای است با 21 عضو بازداشتی گروه داعش و القاعده یا خانواده‌های ایشان. نویسنده عمدۀ فعالیتش را در مصاحبه با جهادی‌های بومی متمرکز کرده و پی‌جوی چرایی تحول و تتور جوانان عراقی در گرایش به جنبش‌های سلفی بوده است. بااین‌حال در این مجموعه با دو عضو غیر عراقی سازمان القاعده و داعش نیز مصاحبه شده است: نخست همسر فرمانده افسانه‌ای القاعده و دولت اسلامی عراق و دومی زنی آلمانی که در سال 2014 و در سودای یک زندگی معنوی و بی‌دغدغه از فرانکفورت به رقه و سپس موصل مهاجرت کرده و با ماجراهای دراماتیکی مواجه شده است.

* «پنجاه راه برای مقابله با افسردگی بدون دارو» تألیف سارا روزنتال و ترجمۀ ترمه نوروزی را نشر ارجمند با همکاری نشر نسل فردا در سال 1389 در 128 صفحه منتشر کرده است.

افسردگی، نوسانات خلقی و دیگر اختلالات اضطرابی، مسبب رنج کشیدن میلیون‌ها انسان در سرتاسر دنیاست. اختلالات خلقی به‌طور قطع مهم‌ترین عامل خودکشی موفق منجر به مرگ در افراد است. این کتاب شیوه‌های تغییر سبک زندگی برای کاهش استرس را نشان می‌دهد؛ روش‌هایی که کمک می‌کند تا از افسردگی یک‌قطبی جلوگیری شود. افسردگی یک‌قطبی معمولاً به‌واسطۀ شرایط زندگی ایجاد می‌شود؛ شرایطی نظیر بیماری، ازدست‌دادن یک عزیز، پیوندی که با مرگ یا جدایی پایان یافته، تغییری اساسی در زندگی، ازدست‌دادن شغل یا تغییر شغل و نقل مکان. افسردگی حتی می‌تواند به دلیل فقدان تنوع و تغییر در زندگی تشدید شده باشد.

* «کافه ژپتو» نوشتۀ نغمه نایینی را نشر سخن در سال 1399 در 843 صفحه روانه بازار کتاب کرده است.

مهتا، دختری بی‌خیال از خانواده‌ای ثروتمند است. دغدغۀ این روزهای او فراهم کردن مقدمات جشن ازدواجش است و همه‌چیز خوب پیش می‌رود الا اینکه بعضی خاطرات کمرنگ گذشته به او هجوم می‌آورند. فرصتی تا روز ازدواج مهتا باقی نمانده است که یک تصادف، همه چیز را در زندگی او تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ تصادفی که سبب می‌شود او برای برگشت به زندگی به شدت تقلا کند.

کافه ژپتو داستانی فانتزی و عاشقانه‌ای لطیف است. مخاطبان با برگشت‌ به عقب در داستان از رازهایی باخبر می‌شوند که کتاب را برایشان جذاب‌تر می‌کند. داستان این کتاب، نگاهی متفاوت به زندگی دارد و فرصتی برای زندگی در اختیار خواننده‌اش قرار می‌دهد تا آدم‌های خوب و بد دور‌و‌برش را بشناسد و عاشقی را تجربه کند.

* «آریوبرزن دلاوری که طعم شکست را به اسکندر چشاند» اثر ثریا جبارزاده را نشر سمیر در سال 1386 در 603 صفحه تقدیم به علاقه‌مندان شخصیت‌های تاریخی کرده است.

این کتاب دوجلدی بیان‌کنندۀ رشادت‌ها و جنگیدن‌های تا‌ پای جان قهرمانان ایران در مقابل دشمنان است. اگرچه ممکن است از نظر تاریخی نتوان به مطالب آن استناد کرد؛ اما داستان تاریخی کتاب با چاشنی ماجرای عاشقانه پیش می‌رود و مخاطب را با خود همراه می‌سازد. این شیوۀ نگارش تاریخ برای عوام می‌تواند جذاب باشد و کمک کند تا شخصیت‌های بزرگی چون آریوبرزن بیشتر در یاد و خاطرشان بماند.

* «بی‌گره (بر اساس زندگی حاج اکبر خبوشانی)» نوشتۀ مهری‌السادات معرک‌نژاد را سازمان فرهنگی‌تفریحی شهرداری اصفهان در سال 1395 در 128 صفحه منتشر کرده است.

کتاب بیان‌کننده زندگینامه هنرمند درودگر «اکبر خبوشانی» متولد 1316 در اصفهان است که ساخت در ورودی صحن امام‌خمینی(ره) و قسمت چوبی ضریح مطهر امام‌رضا (ع)، ساخت ضریح میرزای قمی و زکریابن‌ آدم در قم، دانیال نبی شوش، ابن بابویه شهر ری و چندین امامزاده و آثار هنری دیگر و ساخت سه هزار منبر را در کارنامه خود دارد.

* «پاییز من، بهار تو» اثر نسرین قدیری را نشر شادان در سال 1391 در 464 صفحه تقدیم رمان‌دوستان کرده است.

نویسنده روایت‌گر داستانی است که ضمن تشریح حالات و شرایط زندگی، به‌خوبی خواننده را با روند تقدیر آدم‌ها مأنوس می‌کند. این همان لحظه‌ای است که هر کس سر به آسمان بر می‌دارد و می‌پرسد: «چرا من؟!» و روزگار جوابی در آستین خود دارد: «چرا تو نه؟!». داستان با گذر سال‌ها و پیش رفتن در بطن خویش، خواننده را با دلایلی سؤال‌گونه به دنبال خود می‌کشد؛ ضمن آنکه نویسنده با قسمت درام ماجرا نیز بسترهایی دیگر از جذابیت را می‌گسترد. روزها می‌گذرند و آدم می‌ماند با طرح هزار «اما و شاید» که جوابی برای آنها ندارد و پاسخ نهایی را همان زندگی هرروزه می‌دهد. پس چنین داستانی برای تمامی کسانی که تصور می‌‌کنند نظیر این مشکل را تجربه کرده‌اند یا حتی نکرده‌اند، تلنگری در خود دارد.

* «پنج دقیقه با بهشتیان؛ معرفی سی شهید دفاع مقدس» اثر الهه حاجی‌حسینی را نشر دارخوین در 32 صفحه در سال 1392روانه بازار کتاب کرده است.

این کتاب یکی از شش کتاب منتشرشدۀ مجموعۀ هشتاد جلدی «پنج دقیقه با بهشتیان» است که قرار است هر زمان مؤلفان آنها را به ناشر سپردند، بدون درنظرگرفتن شمارۀ مجلدات، به چاپ برسند. آثار یادشده با روایت‌های کوتاه، فرماندهان شهید هشت سال دفاع‌مقدس را از نگاه خانواده، دوستان و همرزمان آنها معرفی می‌کند. نخستین کتاب مجموعه اختصاص به زندگی شهید حسین خرازی دارد که به کوشش الهه حاجی‌حسینی تدوین شده است. شهید خرازی فرمانده لشکر 14 امام حسین(ع) بود و در عملیات کربلای 5، روز هشتم اسفندماه سال 1365 در منطقه شلمچه به شهادت رسید.

* «لاوسون در آشیانۀ مرگ» اثر پرویز قاضی‌سعید را نشر آسیا در سال 1381 در 406 صفحه تقدیم دوست‌داران داستان‌های جنایی کرده است.

لاوسون پلیسی است که در کار خود با داستان‌های جنایی خطرناکی رو‌به‌رو می‌شود. دخترک که قدم از مغازه بیرون گذاشت، لاوسون نیز پشت‌ سر او وارد خیابان شد. مرد مهاجم غرید: «مستقیم به طرف اتومبیل برید!» و با صدای بلندتر افزود: «بیر؟ آقای لاوسون هم مهمان ما هستند!» اما هنوز حرفش تمام نشده بود که یک دست قوی پشت یقۀ او را گرفت و با شدتی غیرقابل‌تصور او را به دیوار کوبید و بلافاصله وسط خیابان پرتاب کرد. مرد مثل یک گونی سنگین وسط خیابان افتاد... .

* «مستطاب امیر‌ارسلان ‌نامدار» از محمدعلی نقیب‌الممالک شیرازی با ویراستاری منوچهر کریم‌زاده را انتشارات طرح نو در سال 1381 در 736 صفحه به چاپ رسانده است.

نام امیر‌ارسلان‌نامدار برای همه به‌عنوان یک اسطوره شناخته‌شده است؛ اما باید دانست که امیر‌ارسلان از ذهن و تخیل حیرت‌انگیز، بلکه نبوغ‌آسای میرزامحمدعلی نقیب‌الممالک شیرازی بیرون آمد و نه‌تنها اوقات سلطان صاحب‌قران را خوش کرد؛ بلکه کام اطرافیان شاه، حرمسرا، زنان و بچه‌های پریشان‌احوال و درباریان را نیز شیرین کرد، از سرریز آن قصه به کوی و برزن و خانه‌ها راه یافت و دل زنان و جوانان ایرانی را شاد کرد. از بس که این پهلوان زیبا و نجیب و زور‌آور و حق‌ستان و ظلم‌ستیز و عاشق‌پیشه و دل‌پاک بود؛ می‌توانست برای ساعتی مردم را از نکبت واقعیت و گرفتاری‌های جمعی دور کند و همه را در باغ و بوستان سرسبز خیال به تفرج وادارد و حالشان را جا بیاورد. قصه مردانه است و به دنیای پهلوانی تعلق دارد؛ اما به جهت مناسبات عاشقانه، زنان و دختران روزگار میرزامحمدعلی را بیش از سایر اقشار به خود جذب کرد.

* «پلو خورش» اثر هوشنگ مرادی‌کرمانی را نشر معین در سال 1386 در 160 صفحه برای نوجوانان منتشر کرده است.

کتاب نثری جذاب همراه با بر‌انگیختن حسی از نوستالژی و اصالت را برای خوانندگان همراه دارد. بخشی از یکی از داستان‌ها را با هم می‌خوانیم: یک روز پسرکی که پیراهن آبی داشت و موهایش در باد تند قطار آشفته بود، از پنجرۀ قطار برای دخترک دست تکان داد و برایش آلوچه‌ای رسیده و بزرگ انداخت. دخترک مانده بود که آلوچه را نگاه کنه یا پسرک رو. آلوچه توی هوا، توی باد چرخید و چرخید، پشت‌ سر دختر افتاد. دختر هرچه گشت آلوچه را پیدا نکرد. آلوچه توی علف‌ها و گل‌های ریز و وحشی گم شد. دختر با خاطرۀ صورت خندان و موهای آشفتۀ پسر به خانه آمد. صدای هی هی پسر در گوشش ماند. قطار سوت‌زنان صدا را برد... .

## **آشنایی با فعالیت‌های مؤسسه حمایت از بیماران چشمی آرپی**

بیماری آرپی[[21]](#footnote-21)، نوعی بیماری چشمی نادر است که در اثر عوامل ژنتیکی ایجاد می‌شود و به‌مرور‌زمان، با تحلیل بردن شبکیه، باعث کاهش میدان دید و در بسیاری مواقع نابینایی فرد مبتلا می‌شود. افراد مبتلا به آرپی، معمولاً در سنین بعد از بلوغ متوجه ابتلایشان به این بیماری می‌شوند و بسته به سرعت تحلیل‌ رفتن شبکیه، در یک بازه زمانی نسبتاً کوتاه، بخش اعظم بینایی خود را از دست می‌دهند. از‌آنجا‌که اثرات این بیماری معمولاً در سنین بعد از بلوغ آشکار می‌شود، مبتلایان به آرپی اغلب با نابینایی و تبعاتش و چگونگی مدیریت محدودیت‌های ناشی از آن آشنایی کافی ندارند؛ آنها که شاغل هستند، در خطر ازدست‌دادن شغلشان قرار می‌گیرند و آنهایی هم که شغلی ندارند، به سختی می‌توانند فرصت شغلی مناسبی را به دست آورند. همین تبعات در زمان تحصیل هم رخ می‌نماید. بسیاری از این افراد زمانی پا به دنیای نابینایی می‌گذارند که در سنین جوانی به‌سر می‌برند و مشغول تحصیل در دانشگاه هستند. گاه ممکن است رشته تحصیلی‌شان هم جزو رشته‌هایی باشد که در دایرۀ انتخاب نابینایان نمی‌گنجد. به‌همین‌علت هم ممکن است ورود این افراد به دنیای نابینایی، با تبعات روحی و فکری سنگینی همراه باشد.

لازم به تأکید نیست که نهاد‌های حمایتی نظیر سازمان بهزیستی، وظایف حساسی را در خصوص این افراد به عهده دارند. آنها باید علاوه بر خدمات معمول که در اختیار همۀ نابینایان قرار می‌دهند، خدمات مشاوره‌ای و توانبخشی را هم با شدت و دقت مضاعف در برنامه‌های حمایتی خود بگنجانند؛ اما در اغلب مواقع یا اساساً برنامه مشخصی برای این افراد پیش‌بینی نشده یا آنچه احتمالاً طراحی و پیش‌بینی شده، به درستی اجرا نمی‌شود. در چنین شرایطی این مؤسسات مردم‌نهاد و غیر‌انتفاعی هستند که به میدان می‌آیند تا خلأ نهاد‌های دولتی را پر کنند یا دست‌کم یاری‌گر این نهاد‌ها در اجرای برنامه‌های حمایتی‌شان باشند.

مؤسسه حمایت از بیماران چشمی آرپی، مؤسسه‌ای مردم‌نهاد، غیر‌دولتی و عام‌المنفعه است که در سال ۱۳۸۰ با شماره ثبت ۱۴۱۵۲ و با هدف ارائه خدمات تشخیصی و درمانی، ارائه مشاوره‌های روانشناسی، حقوقی و فناوری اطلاعات به‌صورت حضوری و تلفنی و حمایت‌های مالی و اجتماعی به این گروه از بیماران تأسیس شد. طی چند سال اخیر با تلاش و کوشش دست‌اندر‌کاران این امر، بیش از ۶۰۰۰ بیمار آرپی در سنین مختلف شناسایی شده که از‌این‌حیث اولین و تنها مؤسسه آرپی در کشور محسوب می‌شود.

در حال حاضر متخصصان چشم‌پزشکی هفته‌ای سه روز مددجویان این مؤسسه را معاینه می‌کنند و طبق هماهنگی با بیمارستان‌های «طرفه»، «رسول اکرم(ص)» و «امام حسین(ع)»، بیمارانی که دچار مشکلات ثانویه آرپی مانند آب‌مروارید، گلوکوم (آب سیاه) و عوارض شبکیه هستند، برای اقدامات درمانی به این مراکز ارجاع داده می‌شوند. همچنین این مؤسسه به‌عنوان بزرگترین عضو خانواده بیماری‌های نادر، تحت پوشش بنیاد بیماری‌های نادر درآمده است.

مددجویان مؤسسه آرپی همچنین می‌توانند از طریق این مؤسسه با روانشناسان متخصص و مجرب در زمینه مشکلات مرتبط با نابینایان تماس بگیرند و از خدمات مشاوره‌ای این متخصصان بهره‌مند شوند. افزون بر این، مشاوره در خصوص فناوری‌های ویژه نابینایان هم به‌صورت تلفنی و حضوری در این مرکز در اختیار مراجعان قرار می‌گیرد. ارائه مشاوره دربارۀ انواع ابزار‌های کمک‌بینایی نظیر ذره‌بین و درشت‌نما هم از دیگر خدماتی است که در مؤسسه آرپی انجام می‌شود. در این مرکز همچنین با هدف آگاه‌سازی مخاطبان و انتشار آخرین دستاورد‌های چشم‌پزشکی، جلساتی به‌صورت آنلاین با حضور صاحبنظران حوزه‌های بینایی‌سنجی و چشم‌پزشکی برگزار می‌شود و ضمن مرور و درستی‌سنجی آخرین اخبار حوزه چشم‌پزشکی، به سؤالات مخاطبان پاسخ داده می‌شود.

مؤسسه حمایت از بیماران چشمی آرپی همه‌روزه در ساعات اداری پاسخگوی مراجعان خود است. این مؤسسه در نشانی تهران، خیابان آزادی، بوستان اوستا واقع شده و علاقه‌مندان می‌توانند از طریق ایستگاه‌های مترو توحید یا انقلاب و ایستگاه اتوبوس تندرو (بی‌آر‌تی) دکتر قریب به آن دسترسی داشته باشند. همچنین کارکنان این مؤسسه از طریق تلفن‌های 24-02166948282 در ساعات اداری پاسخگوی سؤالات مبتلایان به آرپی خواهند بود.

## **دل‌نوشته‌ای از مانا امیری**

دل می‌نویسد برای تو و اویی که دلش با دنیا ساز نا‌کوک است

صدای خمودۀ باد پیچیده میان تنهایی شب

پشت پنجره، رو به شب، خسته از روزی خاکستری نشسته‌ام

قلم می‌رقصد روی ذهن خالی کاغذ و نیم‌نگاه تلخ قهوه به دستان من است

کاش لحظه‌ها در امتداد فرصت‌ها رهایمان نمی‌کردند

و آن مسیر بی‌رحم منتهی نمی‌شد به نشدن‌ها

و آن دلهره‌ها چون سایه‌ای کش و قوس نمی‌آمد روی دیوار سرنوشت

دستانم خم می‌شود به روی فنجان و نگاهم عاجز از مفهوم گنگ فال زندگی

## **از حرف تا عمل با نابینایان**

**نویسنده: یخ نکنی نمکدون**

راستش ما قصد داشتیم نان و ماستمان را بخوریم؛ اما با گران شدن همه‌چیز، امیدمان به همین نان و ماست هم از بین رفت. پس دیگر چاره‌ای جز شنیدن و خواندن نقطه‌نظرات گوهربار ما باقی نمی‌ماند.

موضوع این است که بعضی از ما نابینایان در موقع صحبت کردن تبدیل به یک الگوی اخلاق و انسانیت می‌شویم؛ در مقابل وقتی در موقعیتی خاص قرار بگیریم که شرایط به دلخواهمان پیش نرود، تمام آنچه که شعارش را داده بودیم به گوشه‌ای می‌نهیم و آن رویمان بالا می‌آید و تا «آنچه حق خود می‌دانیم» را نگیریم، آرام نمی‌گیگیریم.

اگر هنوز هم توجیه نشده‌اید که مقصودمان چیست، چند نمونه برایتان می‌آوریم:

یکی از شعارهایی که ما نابینایان همواره با آن حسابی برای خودمان کلاس می‌گذاریم، اعلام تنفر از ترحم بهمان است. یعنی موقع صحبت کردن، شبیه آدم‌حسابی‌ها آنچنان ترحم را بد می‌دانیم و در مورد کسانی که به ما ترحم می‌کنند، طغیان می‌کنیم که سازمان حقوق بشر به حالمان زار زار اشک می‌ریزد؛ اما وقتی همان روز برای انجام یک کار بانکی وارد بانک می‌شویم، بدون گرفتن شماره و ایستادن در نوبت، صاف به سمت باجه می‌رویم و با مطرح کردن نابینا بودن خود، سعی می‌کنیم کارمان را در سریع‌ترین زمان ممکن انجام دهیم.

شعار دیگری که ما همیشه سر می‌دهیم، تقاضای نگاه برابر سایر افراد جامعه به خودمان است. مثلاً توقع داریم در بحث اشتغال، همچون بقیه توانمندی‌های ما را ببینند و با ما رفتاری عادی داشته باشند؛ اما وقتی دری به تخته می‌خورد و سر کاری می‌رویم، انواع و اقسام ماده و تبصره را قطار می‌کنیم تا به نوعی متفاوت با ما رفتار شود. مثلاً قانونی که می‌گوید معلولین شدید به‌جای هفته‌ای 44 ساعت باید ده ساعت کمتر سر کار حاضر شوند را برای خودمان که معلم هستیم و هفته‌ای 24 ساعت کار می‌کنیم در نظر می‌گیریم و به در و دیوار می‌زنیم تا حقمان را بگیریم. حتی برخی از ما پا را فراتر می‌گذاریم و با وجود عادی شدن ساعات کاری با کم شدن همه‌گیری کرونا و برداشته شدن دورکاری، اصرار داریم دورکار بمانیم و معتقدیم وقتی کار‌هایمان را می‌توانیم از خانه انجام دهیم، لزومی ندارد در محل کار حضور فیزیکی داشته باشیم و جالب است که این را به‌خاطر معلولیتمان حق مسلم خود می‌دانیم.

یکی دیگر از فاکتور‌های عدالت اجتماعی از نظر برخی دوستان، دادن پول کمتر در قبال دریافت خدمت یا خرید کالای موردنیازمان است. یعنی برخی دوستان موقع خرید یک شلوار آنچنان از مشکلات زندگی یک نابینا می‌نالند که دل فروشنده به رحم می‌آید و شلوار صد هزار تومانی را به بیست هزار تومان به او می‌دهد. یا با وجودی که خیلی از ماها می‌دانیم نیم‌بها شدن بلیط‌ها فعلاً برای برخی وسایل نقلیه لازم‌الاجراست، سوار پاراگلایدر هم بخواهیم بشویم، توقع داریم صاحبش با ما نیم‌بها حساب کند. یا مثلاً به‌جای مراکز تحت‌ قرارداد بیمه، به لاکچری‌ترین مطب سرشناس‌ترین پزشکان که از ماه‌ها قبل باید ازشان وقت گرفت، مراجعه می‌کنیم و توقع داریم بعد از ویزیت شدن، سرمان را پایین بیندازیم و بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای از مطب خارج شویم.

یکی از مسائل مهم در جامعۀ نابینایان، حضور در رسانه است. فرض کنید دوستمان در یک برنامۀ تلویزیونی حاضر شده و چندین دقیقه از حق و حقوق نابینایان که رعایت نمی‌شود سخن می‌گوید و در ادامه می‌گوید به همین دلایل دچار مشکل شده و مثلاً فلان‌قدر بدهکار است یا مثلاً نمی‌تواند خانه اجاره کند و امثال اینها. درنهایت هم با جیبی پر از پول که از سوی خیرین بیننده یا شنوندۀ آن برنامه به سوی او سرازیر شده، آن برنامه را ترک می‌کند و کلی هم منت بر سر همنوعان خود می‌گذارد که از حقوقشان دفاع کرده؛ آن‌هم چه دفاعی!

در کل می‌توانیم نتیجه بگیریم که بیشتر ما نابینایان افرادی بسیار خوش‌سخن و البته خوش‌اشتها تشریف داریم؛ یعنی اگر لازم باشد می‌توانیم ساعت‌ها در مورد عدالت اجتماعی و نداشتن نگاه آکنده از ترحم جامعه به خودمان و برخورداری از حقوق برابر، با دیگران صحبت کنیم و بنویسیم؛ اما در عمل ته دلمان دوست داریم بهمان ترحم شود؛ بدنمان می‌طلبد که برایمان امتیازات خاص و خارج‌از‌عرف قائل شوند. حتی برخی از دوستان ما معتقدند که اگر هم کسی به آنها لطفی می‌کند، هم کار او راه افتاده و هم طرف مقابل یک آرامش خاطری می‌گیرد که کاری انسانی انجام داده و این را یک معاملۀ دو سر برد می‌دانند. جالب است که این امتیازات را در شرایطی می‌خواهیم که یک وقت خدای‌ نکرده همنوعانمان نفهمند؛ چون هم دست زیاد می‌شود و هم آبرویمان می‌رود که با وجود این‌همه شعار، به دنبال تبعیض‌ها به سود خودمان هستیم.

به امید روزی که هم جامعۀ منصف‌تری نسبت به خودمان داشته باشیم و هم کمی خودمان هم کمک کنیم تا نگاه منطقی‌تری به ما شود و حقوق واقعی خود را طلب کنیم؛ نه ترحم و دلسوزی دیگران را.

پانویس: راستش را بخواهید، زمانی که شروع کردم به نوشتن، این سؤال در ذهنم شکل گرفت که اگر فردا این نوشته به دست همنوع یا هموطن من در آبادان برسد، با وجود اینکه احتمالاً داغدار عزیز یا دوستش است، می‌تواند با خواندن آن لبخند بزند یا نه! بارها نوشتم و پاک کردم؛ اما دریغ از حتی یک زهرخند. در روز‌هایی که مسئولین ما زیر آوار بی‌تفاوتی و غفلت مدفون‌اند، بر خود جایز ندیدم که همدرد هموطنان سوگوار خودم نباشم؛ پس عطای انواع طنز چه از نوع صد‌و‌پنجاه هزار تومانی و چه گران‌ترش را به لقایش بخشیدم و تنها بر حسب وظیفه، در راستای موضوع مورد نظر دوستانم، چند سطری به اساتید خودم درس پس دادم.

به امید روز‌های شاد و سرشار از امنیت و آرامش برای همه.

امضا: یخ نکنی نمکدون



1. WayMap [↑](#footnote-ref-1)
2. . Google I/O [↑](#footnote-ref-2)
3. . BrailleBack [↑](#footnote-ref-3)
4. . Look out [↑](#footnote-ref-4)
5. . FSCast [↑](#footnote-ref-5)
6. . Joseph Stephen [↑](#footnote-ref-6)
7. . VIC-20 [↑](#footnote-ref-7)
8. . Freedom Scientific [↑](#footnote-ref-8)
9. . Internet Explorer [↑](#footnote-ref-9)
10. . Access World [↑](#footnote-ref-10)
11. . Lonely Planet [↑](#footnote-ref-11)
12. .Airbnb [↑](#footnote-ref-12)
13. . Get there [↑](#footnote-ref-13)
14. . dot walker [↑](#footnote-ref-14)
15. . nearby explorer [↑](#footnote-ref-15)
16. . مانند نرم‌افزار [(Sullivan+)](https://play.google.com/store/apps/details?id=tuat.kr.sullivan&hl=fa&gl=US). [↑](#footnote-ref-16)
17. . anti-captcha [↑](#footnote-ref-17)
18. . Cash Reader [↑](#footnote-ref-18)
19. . Couchsurfing [↑](#footnote-ref-19)
20. . The Hospitality Club [↑](#footnote-ref-20)
21. . Retinitis Pigmentosa [↑](#footnote-ref-21)